

# هیات حاکمه در جستجوی

## نخست وزیر

صف آرای بی در درون هیات حاکمه  
و صف آرای بی شده های انقلابی در مقابل  
بیل هیات حاکمه همچنان ادا می دارد.  
و هر چه زمان بیشتر میگذرد، این  
اختلاف درون حکومت، با شدت و بسا  
اشکال جدیدی بروز می نماید. مضمون  
اصلی این اختلافات درون حکومت  
با شدت و بسا اشکال جدیدی بروز  
مینماید. مضمون اصلی این اختلافات  
درون حکومت را همچنان مسئله قدرت  
و مواضع قدرت تشکیل میدهد. عاملی  
که آنرا از سویی تشدید میکند و از سوی  
دیگر ضرورت حفظ بلوک سیاسی موجود  
را (در هر حال) به اجبار تبدیل  
مینماید، جنبش توفنده ای است که  
میخروشد و توفانهای ذاتی سیستم  
سرمایه داری وابسته به امپریالیسم  
را عمیقتر و لاینحل تر متجلی میسازد  
بورژوازی لیبرال در هفته گذشته  
کوشش نمود، با انتخاب نخست وزیر،  
به یک عوض اندام حقیقی در مقابل  
جناح خرده بورژوازی حاکم  
بهردازد. بنی صدر به عنوان رئیس  
جمهور آنرا اعلام نمود.  
آنها میخواهند با انتخاب  
نخست وزیر و کابینه، مجلس آینده را که  
از هم اکنون در برابر بورژوازی به  
وضعگیری پرداخته، از قبل مجلس را  
به مقابله بکشانند. رأی اعتماد  
آیت الله خمینی را در برابر برای عدم  
اعتماد مجلس قرار دهد. به عبارت دیگر  
پیش از آنکه خرده بورژوازی حاکم  
سنگر مجلس را اشغال نماید، بورژوا-  
زی به سگر بندی و موضعگیری در برابر  
برش پرداخت. بقیه در صفحه ۴



کارگران جهان متحد شوید!

# رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - شماره ۱۲ دوشنبه ۲۹ اردیبهشت با ضمیمه ۳۰ ریال

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند.  
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند.  
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر  
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))  
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

## نگاهی مختصر به سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی

مختلف حرکت کند، و برای این پایه  
موضعگیری و اتخاذ تاکتیک نماید،  
صف بندی کلی و جهانی بین امپریا-  
لیسم و خلقها را مبنای تفاوت و حرکت  
خود قرار میدهد. غافل از آنکه سلطه  
بقیه در صفحه ۳

جریبهای مختلف و در نتیجه موضعگیری  
در مقابل آنها مبتنی است بر مبارزه با  
امپریالیسم به مثابه دشمن اصلی  
خلقهای جهان. این نگرش بجای  
آنکه از مبارزه طبقاتی درون سیستم  
های اقتصادی - اجتماعی کشورهای

چهار لحاظ سیاست عملی وجه از  
لحاظ تئوری، ما در حرکات سازمان  
چریکیهای فدایی خلق تئوریزه شدن  
نوعی نگرش مربوط به مبارزه طبقاتی و امر  
انقلاب را میبینیم، که بر اساس آن،  
ارزشیابی سیاسی گروه ها، دولت ها و

## اپورتونویسم راست گرایش انحرافی در جنبش کمونیستی

مدتی است که از سوی محافل  
هیات حاکمه و احزاب و گروههای  
دنیا له روان آنها مآلات مختلفی بسا و  
جریانها و دیگر هم نظریات ما در جنبش  
کمونیستی وارد میشود. میگویند که ما  
با امر اروپا فشاری بر روی ما هست  
فدا انقلابی کل هیات حاکمه و ترویج  
و تبلیغ این ایده در بین توده ها  
به اشتباهی بزرگ دچار شده ایم زیرا  
که "میهن در خطر است" و شائنا و  
تجاوزات آمریکا، مبارزه با قدرت  
حاکمه را به امری فرعی تقلیل میدهد.

مدتی است که از سوی محافل  
هیات حاکمه و احزاب و گروههای  
دنیا له روان آنها مآلات مختلفی بسا و  
جریانها و دیگر هم نظریات ما در جنبش  
کمونیستی وارد میشود. میگویند که ما  
با امر اروپا فشاری بر روی ما هست  
فدا انقلابی کل هیات حاکمه و ترویج  
و تبلیغ این ایده در بین توده ها  
به اشتباهی بزرگ دچار شده ایم زیرا  
که "میهن در خطر است" و شائنا و  
تجاوزات آمریکا، مبارزه با قدرت  
حاکمه را به امری فرعی تقلیل میدهد.

## تاریخچه تشکیلاتی و مبارزاتی "کمیته نبرد" (ضمیمه)

### در صفحات دیگر می خوانید :

- \* همه تجهیزات آمریکائی در خدمت سرکوب خلق کرد.
- \* "بیانیه وحدت" ملغمه نا همگون دلخشانان برآکنندگی
- \* محاکمه فرما پیشقی شهرام و سعادتی
- \* تفتیش عقاید حتی در "حوزه علمیه"
- \* توقیف شریا تو سرکوب نیروهای انقلاب
- \* اخبار جنبش



## خون سرخ رفیق رزمنده ها لکه تنگ دیگری بر چهره کربه دشمن

رفیق محمدابراهیم (تقی) -  
عیاسی، مبارزی که قلبش بخواطری  
خلق و طبقه کارگر میتپید، در یورش  
وحشیانه هلی کوپترهای کبیری  
آمریکایی، در شهر قهرمان سنج، به  
نها دست رسید. بقیه در صفحه ۱۲

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

# هیات حاکمه در جستجوی

اما تضادهای درون حکومت که به حد کافی بفرنج بودند، پس از این بفرنج تر گردیدند. اما بلافاصله اوضاع حقیقی هیات حاکمه چنان اینکار را ناممکن نمود که برای مدت نامشخص آنرا به تعویق انداخت. نخست وزیری که هم مورد اعتماد و اتکا "لیبرالها و اجراء کنندہ بنامه آنها با شوم "خرده بورژوازی حاکم" را راضی کند، نتوانست پیدا شود.

بورژوا لیبرالها که در هفته گذشته بارها با تاکید گفته بودند، با بدقبل از مجلس، نخست وزیر و کارمینه انتخاب شوند و شروع به کار نمایند، در انتخاب این کابینه و نخست وزیر در برابر خود نیرویی را که مدت ها است "بشوه خود" حکومت میکند یا قتلند و یکبار دیگر فلج گردیدند. باز رگان گفته بودند که ما حتی برای یکروز هم که شده با بدتخت وزیر انتخاب کنیم. بنی مدرا زقا طبعیت خود را اینکه حتما نخست وزیر اقبل از مجلس انتخاب خواهد نمود سخن میگوید. ولی اوضاع حقیقی رویای بنی مدرا را نقش بر آب نمود و بحران حکومت را شدیدتر از سابق، به نمایش گذاشت.

در متن مبارزه طبقاتی وسیع و سختی که جریان دارد، در اوضاع عمومی تجا ورات آنکارا و پنهان امپریالیم و سیاست حکومت در قبال آن در متن سرکوب و کشتار عمومی کارگران و زحمتکشان و خلقها توسط هیات حاکمه، پیروی نیست مگر دنباله و انکاس همه این جریانات در هیات حاکمه! طی یکماه اخیر جنبش انقلابی و موقعیت توده ها از لحاظ مبارزه طبقاتی جاری است حکام خود را نشان داد. خلق کرد، به مقامی سخت دست زد که در تاریخ مبارزاتی خلقها ایران کم نظیر است. مقامی که ارتش جمهوری را با مغلطانی درونی در ارتباط با حکومت رو بر واخت. کارگران و زحمتکشان شهر، بی ناچار از مقابل به بیکاری و تورمی روز افزون گردیده اند. ناتوانی حکومت در جلوگیری از توسعه جنبش و کشتار جنبش انقلابی، اکنون به سر همکان آنکارا میگردد. ارتش با همه قوا و نیرویش نتوانست آرزوی دیبینه حکومت را در وارد کردن مره قطع می به خلق کرد برآورده سازد. با ساداران نعلات ستاری از خود به جای گذاشته اند. هر روز اعلام میشود سنج فتح گردید و روز بعد معلوم می شود، مبارزای

این جهت خود را الت دست خرده بورژوازی حاکم می بیند. بیش از همیشه در غذا بست: زیرا هنگامی که آنها ساد بالا به مبارزه قدرت مشغولند، قدرت دیگری از پاشین در حال شکل گیری بیشتر و تجهیز قواست: قدرت توده ها و انقلابیون!

جریانات یکماه اخیر، که مفاضا در مقاله شماره ۱۱ از رزمندگان آنرا بررسی نمودیم، امکان سازش قریب الوقوع میان جناح های حکومت را با توجه به ماهیت طبقاتی آنها از میان برداشته است.

جناح خرده بورژوازی حکومت حمله شدید تبلیغاتی خود را علیه بورژوا لیبرالها و بنی مدروست بخشید و عملا آنرا دگان و جمهوری اسلامی به روزنامه های ضد بورژوا لیبرالها تبدیل شده اند. در عین حال بورژوا لیبرالها هم میزگرد وحدت بر سر می اندازند و در آن نه تنها مجاهدین کف دانیان خلق را نیز شرکت میدهد! کنفرانس انقلاب فرهنگی بر آه می اندازند و در آن عملیات مربوط به اشغال دانشگاه ها و "انقلاب فرهنگی خرده بورژوازی" را پشت میگویند و آنرا به عملیات فاشیستی تشبیه میکنند. از امام امضاء میگیرند که تبلیغات را دیو و تلو بیوزیون را به آنها سپارد و عوام غریبان میگویند خود مختاری کردستان با حاکمیت ملی و دولت تناقضی ندارد. بیه این وسیله فریاد خرده بورژوازی را به آسمان بلند میکنند طرح وحدت همه نیروهای اسلامی یا جبهه اسلامی واحد را میدهند تا مجاهدین را در مقابل خرده بورژوازی حاکم مورد استفاده قرار دهند. بار جوی مذاکره میکنند و به او وعده آزادیهای سیاسی و اجتماعی را میدهند. آب و آتش میزنند تا قدرت خود را بیشتر نمایند. اما سرانجام نمیتوانند. بدتخت و زیر کا بینه تعیین کنند و این حتی علی رغم دستور آیت الله خمینی است که به بنی مدرا اجازه انکار را میدهد! و در این گیر و دار با وجود کوشش آنکارا و بورژوا لیبرالها و بنی مدرا برای حتی جلب رای توده مردم برای مجاهدین ما! اهد موضع گیری آیت الله خمینی بر علیه بورژوا لیبر-

الها و مجاهدین و علی الخصوص باز رگان هستیم!

تبلیغات بر علیه بورژوا لیبرالها، مجاهدین، کمونیستها و همه و همه در اادیو و تلو بیوزیون و در نشریات متعلق و نزدیک به خرده بورژوازی حاکم شدید تر میشود. و در پایان کار، مجلس شورای ملی، با اکثریت قابل توجه از نمایندگان حزب جمهوری اسلامی ایران "روحانیت مبارز و دیگران به تسخیر خرده بورژوازی حاکم در میاید. بلافاصله رفسنجانسی اعلام میکند: با انتخاب نخست وزیر و کابینه به بعد از تشکیل مجلس موکل میشود. و بهشتی اضافه میکند: تشکیل کابینه و تعیین "نخست وزیر" قبل از مجلس اشکال دارد چون ممکن است مجلس رای اعتماد بده آنها ندهد! بدون هیچ تردید امپریالیم آمریکا و ایادی داخلی آن و اتکا، طبقاتی اش که سرمایه داران باشند، در این میان به بهره برداری و مانور خود مشغولند. آنها اینکار را از طریق پایگاه داخلی خود و توسط جاسوسان و مزدوران مستقیمشان و یا بطور مستقیم انجام میدهند.

امپریالیم آمریکا، در عین حال که به ضعف لیبرالهای سرده است، میدوید نسبت به ایجاد شرایط اغتشاش داخلی و حادث شدن مبارزه

هیات حاکمه از دست نداده و چشم انتظار بحرانی تر شدن اوضاع میباشد. تضادهای درونی هیات حاکمه، و تشدید آنها شرایط را مساعدتر میکند تا امپریالیم آمریکا هر نوع دخالت خود را که ممکن باشد، در جهت تحکیم موقعیت بورژوازی لیبرال انجام دهد. و طبیعی است که هرگاه این عملکردهای حاکمه و تضادهای دورنی اش به قدرت بورژوازی لیبرال بیفزاید، منافع و خواست امپریالیم آمریکا تأمین خواهد گردید.

اما مسئله اینجا است که جناح بورژوازی لیبرال، بطور کلی ضعیف است و جنبش انقلابی، چه جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه آنرا ضعیف تر نیز نموده و خواهد نمود.

مبارزه در درون حکومت برای تعیین نخست وزیر جزئی از مبارزه کلی درون هیات حاکمه برای تضعیف و تسخیر مواضع در بلوک سیاسی حاکم است. جزئی از مبارزه عمومی و بحرانی است که جامعه ما را سرگردان فرورفته است.



بقیه از صفحه ۱

## نگاهی مختصر به ...

امپریالیسم برخلفهای کشورهای مختلف بواسطه ویکمک پایگاه و محملی است که در آن کشورها وجود دارد. و این پایگاه مناسبات اقتصادی و وضعیت طبقاتی خاصی است که منطبق با منافع امپریالیسم شده و میباشد. بدین خاطر است که مبارزه در جهت طرد سلطه امپریالیسم و قطع منافع آن در گرو از بین بردن پایگاه امپریالیسم یعنی مناسبات اقتصادی و طبقاتی است که در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد. با عبارت دیگر مبارزه بر علیه امپریالیسم مستلزم و در گرو از میان برداشتن طبقاتی است که پایگاه آن محسوب میشوند، و کلاً اینکه مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی درون کشورها و درگیری امپریالیسم جدایی ناپذیر است.

این نگرش با برجسته کردن مبارزه خلق با امپریالیسم، واقعیت اقتصادی و طبقاتی را که در جامعه وجود دارد، در سایه انداخته و طبقات ضد انقلابی را که با یدهمازه امپریالیسم آماج مبارزه انقلابی بودهها باشند، از زیر لبه تیز مبارزه تودهها بکناری میگذارد. و با ایجاد مصف بندی مبهم و نامعین خلق و امپریالیسم، زمینه را برای جادادن گروههای ضد انقلابی در کسبه گشاد خلق فراهم ساخته، و بدین ترتیب آنها را از آماج انقلاب دور نگاه میدارد.

خلاصه اینکه این نگرش مذهب خلق را در برابر برداشتن خلق نشانه را بطنه مبارزه طبقاتی موجود در سیستم اجتماعی حاکم، بلکه صرفاً در رابطه با نیرویی قزاقتر از این مبارزه طبقاتی یعنی امپریالیسم تعیین میکند و بنا بر این چنین برخوردی معیار آنکه نیرویی در جهت خلق باشد یا خارج از آن، مستقل و جدا از سرکوب کشتار، اختناق طبقات استمکنش بود. سبیل طبقات حاکم میباشد. کافی است که برای فلان نیرو مبارزه ضد امپریالیستی قایل باشیم، تا داستان آنرا که تا مرق بخون کارگران، دهقانان و زحمتکشان آغشته است، نادیده بگیریم. و آنرا در زمره خلق بحساب آوریم. این تئوریه کردن از قول "ت" "س" تا کتیک ... و در جریسان ترکمن صحرا و مناظره تلویزیونی خود را به نمایش میگذارد و نیز در تریکات بی دریغ "س" "ج" به "زیمبلوف" به

و خرده بورژوازی را بهم بزنند و باید توجه داشت که بخشی از این نیروی خلقی خرده بورژوازی، همان "خرده وازی حاکم" ایران است ....

دنباله بحث هم کاملاً روشن میباشد: دفاع از یک جناح از هیات حاکمه در برابر جناح دیگر هیات حاکمه!

برای ما بیش از هر چیز مینمای تئوریک این استدلال اهمیت دارد "س" "ج" میگوید:

"قدمات آن است نشان دهیم که تنها سیاست فکرمونیستی نمیتواند وابستگی به امپریالیسم و ضد خلقی بودن یک حکومت را به اثبات برساند" کار - ۵۱ - ص ۱۴

یک اصل منطق "س" "ج" همین است. اما عبارت فوق به کلی ناقص بوده و با دقت زیر کا نه ای تحریسر گردیده است، مسئله ما هیات حاکمیت فقط مربوط به سیاست فکرمونیستی آن نیست. به علاوه هیچکس تاکنون نگفته است که جناح خرده بورژوازی حکومت وابسته به امپریالیسم است، پس چه چیزی در اینجا پنهان گردیده و نویسنده سعی کرده خواننده را نسبت به آن متوهم سازد. ما فقط محبت از سیاست فکرمونیستی نمیکشیم. صحبت از حتی وابستگی خرده بورژوازی حاکم به امپریالیسم هم نمینمائیم.

بحث بر سر سرکوب عمومی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری ایران است کمونیستها در پیمن و همراه با آنها سرکوب شده اند و میشوند نکند "س" "ج" گمان میکنند خلق کرد، همان کمونیستها هستند؟ دهقانان ترکمن صحرا همگی کمونیست هستند؟ کارگران اعتمادی و تحمن کشنده، کارگران بیکار شهرهای مختلف انتظار "س" "ج" کمونیست هستند؟ در تمام جریانات فوق البته کمونیستها و نیروهای انقلابی در رهبری یا همراه جنبش بوده اند، هستند، اما این را نمیتوان بهمن سادگی و با یک مقایسه با الجزایر لولوت کرد. هر کس بخوبی میدانده خلق کرد به خاطر خود مختاری و کسب حقوق خویش مبارزه میکند "س" "ج" لابد میگوید: آنها نباید اینکار را انجام دهند. زیرا به وحدت ما با جناحی از هیات

حاکمه لطمه میزند. آلودگان تازه کتاب خوان بی برده اند که دهقانان ترکمن صحرا به خاطر اینکه را انقلابی خود را مصادره زمینهای ملاکان و کنتسیرل

ثرواتی آنها به این روز افتاده اند: شهرابه توپ بسته شده و مردم زحمتکش کشتار گردیده و در هیران انقلابی آنها موزا نه ترور شدند. مگر کارگران صنایع فولاد چیزی جز ملی شدن صنایع فولاد داشتی شدن کارگران موقت را میخواستند؟ و دانشجویان انقلابی بی، بر رشتل مبارزاتش، کارمندان انقلابی، معلمان و ... مگر چیزی جز تغییر وضع موجود میخواستند؟ مسئله اصلی آنها تغییر وضع موجود بود و نه استقرار سوسیالیسم. هیات حاکمه در حالیکه مجموعاً به حفظ سیستم موجود یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مشغولند تا گذیر در برابر توده های انقلابی قرار میگیرند.

این حکومت نمیتواند، برای حفظ خود و برای حفظ سیستم موجود راه دیگری را در پیش گیرد، و درست بهمن علت است که مباردت به سرکوب و کشتار خلقها، کارگران، دهقانان و زحمتکشان میکند. قوانین ضد انقلاب بی وضع میکند. دانشگاهها را به مسلسل پاسداران مینند. ارتشی را که در همکاری و سرپرستی آن نسبت به امپریالیسم آمریکا جای حرفی باقی نمانده است، احیا، تجدید سازمان مینماید. نام این چیزها چیست؟ "س" "ج" میگوید:

"در اینجا لازم است تاکید کنیم تحلیل از حاکمیت فعلی و این که یک جناح از آن خرده بورژوازی است و در برابر امپریالیسم و در صف خلق قرار دارد، هرگز به مفهوم آن نیست که میتوان در برابر سیاست سرکوب و کشتاری که خرده بورژوازی ضد امپریالیست در قبال کمونیستها در پیش میگیرد سیاست تسلیم طلبی و ممانعت را در پیش گرفت."

کار شماره ۵۱، ص ۱۴  
میبیند چگونه حرکات هیات حاکمه را در سرکوب توده ها و انقلابیون و علی الخصوص حرکات همین جناح خرده بورژوازی را سرپوش میگذارند: "سیاست سرکوب و کشتاری که خرده بورژوازی ضد امپریالیست در قبال کمونیستها در پیش میگیرد." دهقانان همان کمونیستها هستند. کارگران همان کمونیستها هستند. خلقها همان

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

کمونیستها هستند... دانشجویان و پرسنل انقلابی ارتش ایضا! واقعا انسان باید خواننده را خیلی احساق و دچار اختلال حواس بپندارد که اینطور تحریف را جایگزین حقیقت نماید:

اما چرا "س.ج." به این تحریف کاری. "درمیغلطد: محور اصلی همه حرفهای "س.ج." این است که بخشی از هیات حاکمه با امپریالیسم تضاد دارد پس خلقی بوده و ما نباید... اما بیا نیم آنچه را "س.ج." نال-شیه از چشم انقلابیون میپوشاند و همچون شعبه بازان آنرالی دستمالهای تئوری تا بود میکند بیا بیم محور اصلی فوق را بر ملا نماییم. در واقع هیات حاکمه و ایضا جناح خرده بورژوازی مرفه ستی، در برابر خلق ایران به انواع دسایس و کشتار و سرکوب و فریب متوسل شده اند. آنها اینکار را نه در رابطه با "کوتله نظری" و "تاریک اندیشی" بلکه در رابطه با سیستمی که روبه زوال است انجام میدهند. آنها در قدرت سیاسی قرار دارند و قدرت سیاسی همیشه در خدمت حفظ یک سیستم طبقاتی معین است (مگر در جا معینه سوسیالیستی که در جهت نابودی طبقات عمل میکند). این سیستم، سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد آنچه کارگران، دهقانان و زحمتکش ایران بر علیه آن میجنگند (آگاهها نا آگاهها) همین سیستم است. و آنچه که هیات حاکمه به حفظ آن مشغولست نیز همین سیستم است.

بسیکهای این سیستم را حفظ میکنند، کسی که از قدرت سیاسی خود برادر و تحکیم آن بهره میبرد، و کسی که خلق را (یعنی کارگران، توده، دهقانان و زحمتکش را) و نه تنها کمونیستها را، به این خاطر کشتار میکند، بر علیه خلق و بر علیه انقلاب است. او خدا نیل به حجاب میباشد. و چون خلق نیروی انقلاب محسوب میشود، بنا بر این عملاً چنین کسی با دقیقتر جناح خرده بورژوازی مرفه ستی حکومت همراه کل حکومت ضد این خلق میباشد. چنین جناحی میتواند تضادهایی هم در چهار چوب سیستم کنونی با امپریالیسم داشته باشد. امپریالیسم ممکن است بخاطر سرعت بخشیدن به تائین منافع خود دنیا احساس عدم لیاقت در هیات حاکمه کنونی در بازگرداندن سریع امنیت مورد نظر سرمایه داران و بیا

## نگاهی مختصر به ...

انقلابی را سدر کرده اند. همه با هم بر علیه امپریالیسم آمریکا... همه با هم از حکومت ضد خلقی گرفته تا خلق ضد حکومت! از انقلاب گرفته تا ضد انقلاب! از بورژوا لیبرالها گرفته تا زحمتکشان کرد که توسط حکومت بمباران میشوند! همه با هم!! این شمار ترجیع بنده هم رویزیو- نیستها، بورژواها و خرده بورژوازی حاکم شده است. زیرا آنها بخوبی میدانند که جدا کردن مبارزه طبقاتی از مبارزه علیه امپریالیسم، جدا کردن مبارزه علیه سیستم سرمایه داری وابسته از مبارزه علیه امپریالیسم جدا کردن مبارزه با امپریالیسم از مبارزه علیه هیات حاکمه بسود آنها بوده و بقیایشان را استمرار میبخشد.

چرانیهوهای (س.ج.) در کردستان علیه حکومت میجنگند؟! یا دارند فرصت طلبانه خود را در دل خلق کرد جای میدهند یا جدا همراه با رهبران حقیقی جنبش خلق کرد یعنی کومله به خلق کرد در مقابل ضد خلق که هیات حاکمه باشد، یاری میرسانند؟ مبارزه قهرآمیز کنونی میان خلق کرد و حکومت، چگونه توسط س.ج. توجیه میشود؟ آیا (س.ج.) گمان میکنند در استان کل حکومت ضد خلقی است اما در تهران خلقی است چون بخشی از آن با امپریالیسم تضادهایی دارد؟ این کافی است انسان با اتوبوسی از تهران به سنج بروند تا هیات حاکمه بعضاً خلقی کلاً ضد خلقی بشود؟ شما اگر بخواید واقعا به سوالات ما در مورد این تناقض جواب دهید راهی ندارید جز اینکه به کل تئوری خود (که ما از این پس آنرا دقیقتر میثکا قیسم برخورد کنید) در غیر این صورت تنها به دروغ و تبه کاری یعنی دانستن حقیقت و پنهان کردن آن متوسل خواهید شد مگر همین شما نیستید که میگویید:

"انقلابیون کمونیست خواهند کوشید تا آنجا که ممکن است در شرایطی که سمت عمده مبارزه ضد امپریالیستی است از گسترش مخاصمات قهرآمیز بین

حتی بخاطر تضادهای نسبی این جناح با امپریالیسم ایران را محاصره اقتصادی و یا حتی مورد تجاوز نظامی قرار دهد، اما ما از س.ج. سئوال میکنیم، به صرف چنین تضادی، که در مقابل تضاد خلق با امپریالیسم، تضادی که تا نبود کردن سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم به پیش میرود، جناح خرده بورژوازی حاکم، خلقی میشود؟ مسلم است که نه! زیرا ما نشان دادیم که این هیات حاکمه چگونه مشترکاً نه تنها کمونیستها که خلق ایران را قلع و مع می کند و سیستم را حفظ می نماید. (س.ج.) آنچه را حکومت در باره خود میگوید، ما نندو طوطی تکرار می نمایم: چون یک جناح از حکومت با امپریالیسم تضاد دارد خلقی است!! حتی اگر عدل خلق ایران باشد!! (س.ج.) نمیتواند این بار دو کس را حاصل کند زیرا (س.ج.) بجای آنکه همه به مبارزه طبقاتی داخل کشور توجه کند، همه مبارزه خلق با امپریالیسم بطور کلی صرفاً وجه کلی وجهانی قضیه را می بیند، که مثلاً چون خرده بورژوازی کلاً در جنبه مقابل امپریالیسم در سطح جهان قرار دارد، پس در هر حال نیروی بی خلقی است. حتی اگر کمیت و کیفیت کارنا مه سرکوب، ترور و قتل عام آن با مقایسه نسبی، روی رژیم شاه را سفید کرده باشد.

(س.ج.) به جای مبارزه ای که اکنون جریان دارد، بجای نابودی سیستم، بجای مبارزه حقیقی با امپریالیسم، به جای تقویت خلق در مقابل ضد خلق و به جای هر تا کیتیک انقلابی به کمونیستها میگوید: رفقا! این هیات حاکمه بعضاً خلقی است، جناحی از آنرا دریا بید و فرا موش نکنید که تجربه نشان داده است حمایت از این جناح به نفع خلق است. اما تضاد با ضد خلق به سود خلق تمام میشود!

(س.ج.) حتی واقعیات بدیهی را فراموش میکند. اکنون "جبهه ملی"، "حزب توده"، "سجانی ها" و... با همین استدلال جلومبارزه

صوف خرده بورژوازی با پروولتاریا جلوگیری شود و حتی الامکان نگذارند که جنبش خلق به بیراهه کشیده شود اما وقتی "س.ج." ۱۴ کار ۵۱

فکر نمیکنید راه بهتر همان اتحاد شکار و غلنی با جناح خرده بورژوازی حاکم باشد؟ میبینید که اکنون توده ها علی رغم مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه علیه سیستم را فراموش نکرده اند و در حقیقت بیش از هر چیز علیه آن و از این طریق علیه امپریالیسم میجنگند؟ شما که اعتقاد دارید بخشی از حکومت ضد امپریالیست و خلقی است چرا در مقابل آن به دفاع برخاسته اید؟! اصلاً معنی این حرف چیست که نیرویی ضد امپریالیست باشد و بر علیه خلق (و نه ضد آنگونه که س.ج. میگوید فقط کمو- نیستها) دست به اقدام بزنند اما همچنان نیروی خلق باشد، این نشان نمیدهد که تئوری شما، تئوری ما و را طبقاتی و تمام خلقی دیدن، بجای درک تضادهای حقیقی خلق و سیستم، خلق و امپریالیسم، دنبال تضاد های درون حکومت جهت پیدا کردن متحد کشتن، چنین تئوری ای از پایه غلط و ابورتونیستی است. همان تئوری قدیمی تمام احزاب رویزیو- نیست و سازشکار است؟

تئوری "س.ج." بجای بررسی واقعی طبقاتی، بجای نگاه کردن به مبارزه طبقاتی جاری و پنهانی عینی نیروها از لحاظ سیاسی، بجای اینکه ببینند واقعا چه کسانی با هم متحد هستند بطور مداوم از یک قیاس کلی نتیجه میگیرد. و این قیاس بر اساس قانون کلی هر کس با امپریالیسم تضاد دارد (حالا این تضاد هر قدر نا چیز باشد و از هر ما هیتی بر خوردار باشد مهم نیست) پس خلقی است بر اه میافتد، و مرتباً بر فرق خوراندند کوبیده میشود. "س.ج." نه تنها در ایران که بطور کلی در سطح جهانی این تئوری را یکا ر میبرد و آنرا به یک سیستم عمومی تبدیل میکند و به انقلابیون سایر کشورها نیز توصیه شما به میکند. که این موضوع را در جای دیگر دنبال خواهیم کرد.

\* \* \*

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۱

# اپورتونیسیم راست...

هیات حاکمه نظیر "کمونیستهای آمریکایی" گرفته تا آنها را پورتونیسیمهای راست نظیر "چپ روان و انحراف جویان" سرازیر میشوند تا هر کدام بنوعی ما را از سیاست در پیش گرفته شده منصرف نماید. و بدینال آن - اوع تضیقات از سویی برای توقیف تشریفات و ضرب و جرح و ترور گرفته تا تخطئه و تبلیغات منفی هر کدام بغیر از خورجالت آنها رزمندگان نمودار است و قرار میگیرد.

پاسخ محافظان هیات حاکمه و مرتدان رویزیونیستی که در پی خیزیدن بقدرت توده را به پشتیبانی از این یا آن جناح مرتجع حاکمه دعوت میکنند معلوم است. پاسخ اینان همان تداوم تبلیغ و ترویج و سازما - ندهی در میان توده ها با همان مضمونی است که بشدت این دستگاه از اتهام زندگان را به وحشت انداخته است.

اتهام این دستگاهات و جنگ تبلیغاتی که بر آید انداخته اند در واقع به سبب از میان ریزه میان انقلابیون و مرتجعین با انقلاب و ضد انقلاب است. بر گه های افشاگرانه و تبلیغی ما مدت ها است که پاسخ این دشمنان طبقاتی پرولتا - رها و توده زحمتکش را داده و میدهد.

ما این سطور را به بحث با آن دسته اختصاص میدهم که به خیال خود از روی دلسوزی برای جنبش انقلابی و از جمله جنبش کمونیستی توصیه های بنظیر آن چه در بالا گفتیم را ارائه میکنند.

یگانهای ای که سیاست - مارکسیستی - لنینیستی میبایست بر آن استوار گردد و واقعیت طبقاتی جامعه است. پرولتاریا تمام طبقات و اقشار را محاصره و تصرف آنکه بهر حال غیر پرولتاریستند و نمیتوانند تا ابد در صف انقلاب بمانند به یک چوب نمیرانند. پرولتاریا تمام نیرو و قوای خود را بر علیه آن اقشار و طبقاتی بکار میبندد که در هر مرحله از انقلاب بنوعی در ضدیت با تحقق اهداف

همان مرحله در میآیند. پس کاملاً ضروری است که تشخیص دهیم که کدام اقشار و طبقات در این مرحله از انقلاب ما در ضدیت با تحقق کدام اهداف انقلاب برخاسته اند.

اما واقعیات از چه چیز خبر میدهند و کدام حقایق را گواهی مینمایند؟ برای پاسخ به این سؤال ناچاراً باید قدری بعقب بازگردیم جنبش دموکراتیک عمومی که قریب دو سال پهنه میهن ما را در می نوردد سرانجام

در نقطه اوج خود - قیام بهمن ماه - قدرت جدیدی که اساساً ترکیبی از بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی بود را براریکه قدرت نشانده در آن لحظات بحرانی که توده های مردم مصممانه برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته - بر خاسته بودند امپریالیسم و بورژوازی وابسته برای جلوگیری از مسجوز فزاینده جنبش توده های از هیچ امکانی برخوردار نبودند. سران رژیم سرمایه داری وابسته، بوروکراتها، نظامیان و سرمایه داران بزرگ هر یک یا به خارج گریخته و یا در گوشه های اختفا گزیده بودند. در چنین شرایطی امپریالیسم جزا زش و کنارت آمدن با خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال چاره ای نداشت. ادامه مقاومت و معاندت بود با قدرت گرفتن نیروهای چپ و این درست همان چیزی بود که امپریالیستهای آن وحشت داشتند.

هیات حاکمه به محض در دست گرفتن قدرت به سبب در مقابل ادامه انقلاب تبدیل گردید. رژیم بلافاصله اعلام کرد که انقلاب پایان یافته و دوره سازندگی آغاز شده است. همرا به تبعیت از کابینه "بورژوازی لیبرال فراخواند دوست بورژوازی را در بکار گیری مجدد عناصرو وابسته ها گذاشت بلافاصله تمام کسانی که خواستار ادامه انقلاب بودند به مهر ضد انقلابی مهرور گشتند. فرماندهان خائن و سرسپرده ارتش و شهر با نی که تدارک فرار از مهلکه را میدیدند بکار فرار خوانده شدند و آیت الله خمینی حتی حاضر به پذیرش ظاهراً کنندگانی که روز پس از قیام خواستار تمویض فرماندهان ضد انقلابی ارتش و شهر با نی بودند نگردید. سران رژیم تمام تلاش خود را بکار بردند تا شعار "بعد از شاه" نوبت آمریکاست " را به شعار "مرگ بر کمونیست" تبدیل نمایند. در این کار تا حد زیادی موفق گردیدند. بدین ترتیب خرده بورژوازی حاکم در عمل بزرگترین خدمت را با امپریالیسم آمریکا انجام داد و بورژوازی وابسته را از زیر چنگ انقلاب بیرون کشیده و سلامت حفظ نمود. رادیکالیزم و یون بلافاصله پس از قیام به تحریک توده ها بر علیه نیروهای انقلابی پرداخته و با حداکثر تلاش سعی نموده توده ها را با یافتن انقلاب و مگنی بودن تغییرات صورت گرفته (یعنی دقیقاً همان چیزی را که امپریالیسم

از ته دل خواهان آن بود) القاء نماید. در آن شرایط و اوضاع هیچ نیرویی جز همان خرده بورژوازی به قدرت رسیده قادر باقی آن نقش نبود و الحق هم بخوبی آنرا انجام داد.

در طول ۱۵ ماهی که از بقدرت رسید هیات حاکمه میگذرد، خلق کردهوارها ناهدتها جماعت و خشیانه با سداران و ارتش بوده است. ترکمن محار و دیوار به خون کشیده شده و بر با سداران و سپس ارتش بدستور هیات حاکمه به ویران نمودن دستاوردهای مبارزات خلق ترکمن پرداختند. مدتها تحصن، اعتصاب و تظاهرات کارگران تا غلظ و بیگاری و توده عوامی با سرکوب عوامل حکومت مواجه شده است. خواست انقلاب بی توده دهقانی مبنی بر حاکمیت بر زمین توسط حکومت به بهانه اغتشاش و دواستافانای منافع مالکین بزرگ ارضی شده و دهقانان در پیگیری خواسته اشان با آتش و سلاح عوامل حکومت روبرو بوده اند. شبکه هدایت شونده دستجات "حزب الهی" که به جناحهای مختلف هیات حاکمه وابسته اند دست از ضرب و جرح و ترور نیروهای انقلابی برنداشته اند. "هیات حاکمه" جمهوری اسلامی تنها به رد بیانیه ترین تحریکات مشغول بوده بلکه انواع قوانین و مقررات تجاری را بنام "امت مسلمان" و در واقع با سوء استفاده از احکامات و باورهای توده به اجرا در آورده است و ..... ما تاکنون در تحلیل های خود

بکرات این مسئله را روشن نموده و تأکید کرده ایم که سیاست اصلی رژیم حاکم از قیام تاکنون بنام ترکیب طبقاتی آن تحمیل و فریب توده ها، جابجایی در مورد رفاه های جزئی و عقب افتاده نسبت به خواسته ها و انتظارات توده ها، و سرکوب توده های انقلابی و مبارزی که ما هیات آنرا درک نموده اند، بوده است. و در اینجا به تکرار آن نمیدریم زیرا چیز که لازمست در اینجا روی آن مکتب کنیم اینست که:

اولاً این ادعا که چون رژیم حاکم هنوز با بقایای رژیم گذشته و امپریالیسم آمریکا درگیر کشمکش است لذا کمونیستها میبایست به حمایت از آن یا لاقلاً جناح مترقی آن (بپیر - دازند) دعایی بوج و صدمارکسیستی

استدلالی که رویزیونیستها و سایر اپورتونیسها بکار میبرند، استدلال تنزل سیاست انقلابی به انفعالی و حمایت از حکومت به بهانه خط امپریالیسم و "پوزیسیون فوق

ارتجاعی" در چهره نمودن یک "حکومت بدتر" است. ما نیز چنین خطری را تشخیص میدهم و در صورت لزوم تمام قوای خود را بر علیه چنین خطری بکار خواهیم بست، اما تبدیل ضرورت تغییرات تاکتیکی در شرایط اضطراری به یک خط مشی سیاسی و تاکتیکی مرحله ای چیزی جز اپورتونیسیم به بدترین شکل آن نیست. ما معتقدیم که خطراقدامات مستقیم امپریالیسم فعالیت "پوزیسیون فوق ارتجاعی" و امثالهم، به بهترین حالت خود در شرایط بسیج انقلابی و مسلحانه توده و حاکمیت انقلابی پرولتاریا و زحمتکشان مرتجع خواهد شد و هر کسی که ما را برای تخفیف چنین شیوه ای سی در دفع خطراخطرات بین راه بترساند کاری جز طولانی تر نمودن زمان خطر نگذرد است.

قفاوت در مورد صحت ادعای هر جزیل نی در مورد مبارزه ضد امپریالیستی میبایست مبتنی بر این باشد که در عمل بر کدام نیرو تکیه میکنند و کدام سیاست را در پیش میگیرند. جریانی که بخواد هدایت و تقدیس ارتش و با خلق سلاح توده "جنگ" با امپریالیسم برود در واقع سازها نجایی درمی آورد که تا حد هشتم به ما را خلق کرد. بسیج دستجات "حزب الهی" و حمله به نیروهای انقلابی به بهانه های مختلف از جمله "انقلاب فرهنگی" و اخیراً یورش دیگری به آزادیهای باقی مانده در تبلیغ و ترویج انقلابیون!

رژیم حاکم در صورتیکه قصد مبارزه واقعی با امپریالیسم را نداشته میبایست حداقل دست از سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و دهقانان خرده پا بر میداشت. چه کسی بهتر از کارگران و دهقانان مسلح که در شوراها و خودمشلک شده باشند میتوانند با امپریالیسم و ایدای داخلی آن مبارزه نمایند. رژیمی که شوراهای کارگری و دهقانی را بدترین دشمن خود میداند و هیچ اخلاقی در کار آنها فروگذار نمی نماید، رژیمی که تمام همتش صرف خلع سلاح توده ها و نیروهای انقلابی و تقویت دسته های مسلح خاص است، رژیمی که بیشتر ترس توان و نیرویش را با یک به سرکوب توده های مبارز گردستان بکار گرفته است بهیچ روش نمیتواند ضد امپریالیست باشد و تا مجابا روجنال ها و هیاهوی آن بر علیه آمریکا عملاً تنها در جهت سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی ضد امپریالیست بکار گرفته میشود.

رژیمی که ادعای مبارزه بر علیه



# بیانیه وحدت: ملغمه‌نا همگون دلخستگان پراکندگی!

نوشته زیر قسمت اول از مقاله‌ای است که قبلاً از سوی "کمیته نبرد" (پیش از وحدت) تهیه شده است. نظریه اهمیت ساله وحدت اصولی در جنبش کمونیستی و ضرورت برخورد به انحرافات که در این رابطه مشاهده می‌شود، این مقاله را پس از تکمیل و تغییرات لازم در دو قسمت منتشر می‌کنیم. اینک قسمت اول از نظر شما می‌گذرد.

در ۲۱ ژوئیه ۵۹ بیانیه "وحدت" گروه تحت عنوان "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" منتشر شد. خرسندی از مشاهده تمرکز نیروهای جنبش کمونیستی و یکپارچگی آنها، که اکنون بصورت یک روند در این جنبش آغاز شده است، نمیتواند مانعی در مقابل تدایم مبارزه، ایدئولوژیک باشد. زیرا پیروزی جنبش کمونیستی بیش از آنچه مدیون بسط تشکیلاتی و بهبود وضعیت اجرایی باشد، در گرو حفظ ایدئولوژی پرولتری در زمینه‌های مختلف و در درجه اول در تشواری و یک کار است.

ما، علیرغم تأکید بر ضرورت هر چه سریع‌تر وحدت جنبش کمونیستی، وظیفه خود میدانیم که بر روی اصولی بودن این وحدت نیز با فشاری نمائیم. در این راه تجربه، کنفرانس وحدت و گرایشهای مختلف در پایان کار آن، تجربه‌ای است که میبایست حداقل از سوی ما و دیگر گروههای شرکت کننده در آن بکار برده شود. ارائه این تجربه بصورت انتزاعی و در توضیح تحولات گاه ملالت‌آور کنفرانس دردی را دوا نمیکند. آنچه لازمست جمع‌بندی نهایی از نتایج بحثها و تجارب و ارائه آن در برخورد به نظرات و عملکردهای جاری جریان‌های مختلف جنبش کمونیستی بویژه در رابطه با اموحدت است.

یکی از محمولات کنفرانس در پایان کار آن، پیدایش یک گرایش لیبرالی در عکس العمل به وضعیت مشتت و بسته درآمده، کنفرانس بود. این گرایش بجای آنکه در دام اصلی یعنی تشتت ایدئولوژیک را تشخیص داده و برای حل آن اقدام نماید، بسراغ معلول یعنی پراکندگی تشکیلاتی رفت. در واقع ضعف کنفرانس در مجموع و انحراف این گرایش از مسئله اصلی (که دیگر در پایان کنفرانس روشن شده و بصراحت از طریق چند گروه دیگر مطرح میشد) به نوعی تسلیم در مقابل واقعیت تلخ جنبش کمونیستی منجر گشت.

تسلیم به این معنای "اختلافات ایدئولوژیک را فعلاً نمیتوان حل نمود و بر سر و موضعیت برای موکل نمودن وحدت به آن تمیها شد: پس با تنظیم یک پلاتفرم عمومی و مورد قبول همه، تشکیلات دوران گذاری بوجود بیاید که در برخورد های رفیقانه درونی این مسائل را بتدریج از طریق مطالعه و تحقیق و بحث و رعایت اکثریت و اقلیت حل نماید". در واقع راه حل فوق به این نتیجه میرسد که اگر وحدت ایدئولوژیک برای وحدت تشکیلاتی جنبش کمونیستی فعلاً مقدور نیست، تمیها تدبیر برای می‌توان تصمیم گرفت (!) که وحدت ایدئولوژیک ضرورت حیاتی آنچنانی ندارد (!): مخلصاً از لیبرالیسم و اکونومیم در قالب یک راه حل برای وحدت!

راه حل فوق با یک روحیه پرخاش جویانه بر علیه جریان‌های که ضرورت وحدت ایدئولوژیک را (حداقل در اساسی ترین مسائل استراتژیک و تاکتیکی‌های مرحله‌ای منتج از آن) تأکید میکردند، از

معطلات فراوان گروههای پراکنده بهره‌جسته و توفیق همگان را در اتخاذ راه حل مورد نظر خود ننوید میدهد. بنظر ما این راه حل تمام وضعیت حاکم بر تشواری و پراکندگی گروههای ادغام شده را به یک تشکیلات "واحد" منتقل نموده، آنرا از درون فلج و مشتت خواهد ساخت.

بر خورد ما به بیانیه وحدت بمنظور نشان دادن ریشه‌های بحرانی که راه حل فوق حداقل بخشی از نیروهای جنبش کمونیستی را گرفتار آن میسازد، با شدت ارفقای مادر "وحدت انقلابی" از مسیری که در تشواریزه نمودن یک مثنی و سبک کارالتقاطی میبایست پندیموقع آگاهیه یا بند.

سند اعلام میانی "وحدت انقلابی" در واقع سند نقض همان چیزی است که وعده آنرا میدهد یعنی نقض وحدت ایدئولوژیک (!) التقاط بیانیته در پنهان بودن دو نقطه نظر متفاوت در مورد مسائل استراتژیک انقلاب، یعنی نقش طبقات مختلف در آن و اهداف این انقلاب است. و این دو مسئله در واقع جوهر خط مثنی تشکیلاتی م. ل. است که التقاط در آن بصورت یک محبت با زوموکل به آئینده قابل توجیه نیست. میاحت با زوموکل به آئینده هرگاه به اصل و کنه موضوع انقلاب (سنگونی طبقات حاکم و کسب قدرت سیاسی توسط طبقات جدید) مربوط باشد، در واقع یک وحدت اسمی و توخالی حاصل میشود و هرگاه در مطالب معرفتی و فرعی (نسبت به مسائل قابل طرح در حال حاضر) خلاصه شود، وحدتی نسبی خواهیم داشت که تا مدت‌ها قابل دوام بوده، چه بسا با حل این مسائل دائمی خواهد شد.

التقاط بیانیته از کجا آغاز میشود؟ از گوش برای درهم آمیختن دو تحلیل مختلف از وظایف و اهداف انقلاب و نقش طبقات در آن، در یک "تحلیل واحد"!

۱) نقطه نظری که معتقد است مرحله‌ای از انقلاب بر ما حاکم است که علیرغم تحولاتی که در جاد مع و در قدرت سیاسی آن صورت گرفته است کماکان:

"انقلابی است علیه سلطه امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا، بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم".

(با راگراف دوم، تا کیدازماست)

چنین مف‌بندی طبقاتی که انقلاب بر علیه آنها صورت میگیرد (بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم) تکلیف صف نیروهای انقلاب را روشن میسازد. مسئله‌گرهی تشواریک در جنبش ما در استراتژی انقلاب، نقش طبقه بورژوازی ایران و اهداف اصلی انقلاب (که همانا سنگونی طبقه‌ای یا طبقاتی و جایگزینی طبقه یا طبقات دیگر بجای آن است) در مورد این طبقه است. در این نقطه نظر، انقلاب علیه اقشار فوقانی بورژوازی و در بهترین حالت خود با انزوا یا اقشار میانی آن صورت میگیرد. در حقیقت بیانیته بورژوازی متوسط را از صف ضد انقلاب خارج نگه میدارد، و هیچگاه به پیکان انقلاب را متوجه بورژوازی متوسط یا لیبرال نمی نماید، بلکه بهنگام محبت از خواسته‌های اساسی انقلاب در کنار آزادی و استقلال سخن از "محواسی ترین مناسبات استثماریگرا نه و با زدارنده جاد مع، یعنی سنگونی سرما یه داران بزرگ و وابسته، زمینداران و مالکان بزرگ، و محور و رابط کمپرادوری و فئودالی و با زادی اقتصاد کشور در جهت منافع وسیعترین توده‌های خلق" بمیان میآورد، که بخوبی نشان میدهد که انقلاب بهیچوجه بر علیه بورژوازی متوسط یا لیبرال نمینماید. و با توجه به اینکه بیانیته هرگز "حقه" معروف "خلق" را بر ما نگشوده، و همانند تمام مپولیست‌ها از "خلق" بطور کلی و مبهم محبت کرده است، بر ما روشن نمیشود که آیا بورژوازی متوسط در صف خلق هست یا نه. بیانیته در این رابطه صرفاً استخوانبندی خلق را که کارگران و دهقانان باشند، برای ماتمویر کرده و از سایر طبقات و اقشار خلقی، یعنی بیمان نیا ورده است. بهر حال بر رفقای وحدت انقلابی است که برای ماروش سازند که بورژوازی متوسط در صف خلق قرار دارد، یا در مقابل آنست.

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست‌ها، فقط

## بیانیه وحدت ....

این ابهام در مورد هیأت حاکمه به اوج تاریکی میرسد. مسئله اساسی هر انقلابی همانا قدرت حاکمه است، و طبیعتاً هر بیانی که خطوط مواضع سیاسی یک جریان انقلابی را روشن میسازد، باید تصریح نماید که قدرت حاکمه در دست کیست، و ما هیأت آن چیست. اما بیانی که گذشته از آنکه هیأت حاکمه را ضد خلقی بحساب نمیدارد - بیانی که هیأت حاکمه را ضد انقلابی و با عملکرد ضد خلقی ارزیابی مینماید - هیچگاه روشن نمیکند، که ما هیأت و ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه این مهمترین مسئله انقلاب چیست. بیانی که میگوید:

"هیأت حاکمه ما هیأت بورژوازی دارد!"

واقعاً که چه صراحتی! ما هیأت بورژوازی طیف گسترده‌ای از خرد بورژوازی را دیکال تا بورژوازی انحصاری را دربر میگیرد، و بیانی که با طرح مبهم و کلی، ما هیأت بورژوازی زیرکانه از زیر پرده دقیق ما - هیأت و ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه طفره میبرد.

بعلاوه، بیانی که هیأت حاکمه را تبدیل به ما هیأت و ترکیب طبقاتی اش بلکه تبدیل عملکرد، سیاست و برنامه‌های آن ضد انقلابی - و نه ضد خلقی - بشمارد، از نظریه‌های حاکمه در دست بخاطر اینکه از مبارزات توده‌ها بر علیه بورژوازی بزرگ و وابسته، و امپریالیسم و فئودالیسم جلوگیری میکند، ضد انقلابی است، همچنانکه میخوانیم:

"هیأت حاکمه با سرکوب کارگران و دهقانان که علیه سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و مالکان بزرگ و دستگاه بوروکراتیک دولتی مبارزه میکنند، با کشتار روحانیان، خلقهای تحت ستم، برای حق تعیین سرنوشت علیه ارتجاع و امپریالیسم می‌رزمند و... دستاویزهای خونین دیکتاتور و فئودال امپریالیستی انقلاب توده‌های مردم را پایمال کرده است." (پاراگراف ۹)

این مفهومی از نیروهای ضد انقلاب نه تنها با ضد انقلابی معرفی کردن هیأت حاکمه بخاطر دفاع از آنها در مقابل توده‌ها ترسیم میگردد بلکه با ردیگر با مشخص نمودن سیاست امپریالیسم آمریکا بصورت زیر مورد تاکید قرار میگیرد:

"امپریالیسم آمریکا... تلاش میکند تا با تکیه بر سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان و زمینداران بزرگ و مروج تجر... با بهره‌گیری از ابزارهای فشار مستقیم اقتصادی و سیاسی و استفاده از مبره‌های وابسته و جناح‌های متمایل بخود در درون هیأت حاکمه و تقویت سیاست ما - شکاری و تسلیم طلبی موقعیت گذشته خویش را با زیاده‌ها (پاراگراف ۱۱)

بیانی که بدون آنکه در هیچ کجای خود ترکیب طبقاتی هیأت حاکمه را روشن نماید، ولی بهر حال و تلویحاً در همین قسمت خود، هیأت حاکمه و یا لایق جناح‌های آن را جدا از "سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و مالکان و زمینداران بزرگ و مروج" معرفی میکند که امپریالیسم آمریکا با "استفاده از مبره‌های وابسته و جناح‌های متمایل بخود" در درون آن سیاست خود را دنبال میکند. اما ما، نقل قول فوق این جدایی بخشی از هیأت حاکمه را از "سرمایه‌داران بزرگ و وابسته... روشنفکر میسازد:

"امپریالیسم آمریکا در جهت ایجاد حکومت دست نشانده با وابسته به خود، حکومتی که بتواند "نظم و امنیت دلخواه سرمایه‌های امپریالیستی را فراهم کند و اوضاع را بنفع آنها تثبیت نماید تلاش و توطئه میکند. دامنه وسیع‌های مختلف این تلاش و توطئه بسیار گسترده و متنوع است و از تلاش برای استحاله "مالیت آمیز" این هیأت حاکمه به دستگاه دست نشانده خود که بشکل فوق صورت میگیرد.

گرفته تا کودتای طرح ریزی شده (که معنایی جز سرنگونی جناحی از هیأت حاکمه ندارد) و حتی دخالت مستقیم و غیر مستقیم نظامی (که معنایی جز سرنگونی تمامی هیأت حاکمه ندارد) را شامل میشود. با توجه به این عوامل و زمینه‌ها، امپریالیسم آمریکا همچنان دشمن عمده خلقها و انقلاب ایران محسوب میگردد.

حال بیانشیم این گفته‌ها را کجا رهم بگذاریم.

طبقات ضد انقلابی عبارتند از بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم، امپریالیسم آمریکا می‌کوشد این طبقات را به حاکمیت سیاسی مورد نظر خود برساند و برای اینکار به توطئه برای سرنگونی جناحی از هیأت حاکمه (کودتا) و یا تمامی آن (دخالت نظامی) مبادرت می‌ورزد پس دشمن عمده ما است. لازم به توضیح است که بیانی که آگاهانه بهین ما هیأت و عملکرد هیأت حاکمه فرق میگذارد، بیانی که با رها و بارها "عملکرد، سیاست و برنامه ضد خلقی" را بکار میبرد، اما هیچگاه سخنی از "ما هیأت ضد خلقی هیأت حاکمه" یا اینکه "هیأت حاکمه ضد خلقی است" بهمان نمی‌آورد. زیرا که اطلاق ما هیأت ضد خلقی به هیأت حاکمه بلافاصله "وحدت انقلابی" را با تناقض روبرو خواهد ساخت، بهمین خاطر بیانی که ترجیح میدهد که از کنار تصریح ما هیأت خلقی یا ضد خلقی هیأت حاکمه و در این رابطه ترکیب طبقاتی آن و ندانسته بگیرد، تا شاید بتواند وحدت انقلابی خود را در مان نگذارد. از نظر بیانی که هیأت حاکمه مبارزه توده‌ها بر علیه این طبقات ضد انقلابی را سرکوب میکند و به این خاطر ضد انقلابی است اما در عین حال جناحی از آن و گاه مجموعه آن با امپریالیسم آمریکا (یعنی دشمن عمده) در میان افتد! پس.....؟

ضد انقلابی بودن هیأت حاکمه بخاطر سرکوب مبارزات توده‌ها بر علیه طبقات ضد انقلابی (که ترکیب هیأت حاکمه عمدتاً و اساساً غیر آنهاست):

مبهم بودن وضعیت هیأت حاکمه در رابطه با امپریالیسم آمریکا (یعنی دشمن عمده) که در فکر سرنگونی جناحی و یا بدنامی هیأت حاکمه است، دشمن عمده‌ای که ایفا بفرستیم قدرت سیاسی طبقات ضد انقلابی است!

آیا برای حل این معما راه دیگری یافت میشود جز اینکه هیأت حاکمه در مجموع (بعلت وجود جناح‌های مختلف) دوگانه عمل میکنند؟ آیا اگر ثابت شود که این هیأت حاکمه (حداقل جناح‌های آن) - حر - کتشیایی هم بر علیه بورژوازی بزرگ و وابسته و بقایای فئودالیسم انجام میدهد درک راه حل معما ساده تر نمیشود که هیأت حاکمه در مقابل تافته دشمن عمده دوگانه عمل میکند؟ و ضرورتاً برخورد با آن تا کتیک دوگانه طلب مینماید؟!

بیانی که نمیتواند به پرشی که از نتیجه منطقی تحلیل فوق مطرح میشود پاسخ لازم را بدهد، نه بخاطر اینکه صرفاً ضعف معرفتی دارد بلکه بخاطر آنکه نگرش سیاسی بیانی که متأثر از استدلالی خاصی است که بنا بر آن عالم‌الهی تعیین کننده تغییر و تحولات درون کشورهای تحت سلطه، همان امپریالیسم می‌باشد، و غربان اقتصادی و سیاسی این کشورها تابع غربان امپریالیسم است. و بر این اساس بدان نتیجه می‌رسند که تفا دعه جوامعی مانند ایران تفا دخلق با امپریالیسم می‌باشد، صرف نظر از آنکه، این تفا دعه جوامعی اساسی ترین روند تولید و مناسبات تولید را روشن نمیسازد، و حتی پنهان مینماید آنچه درخو توجیه است اینکه از نظر متدلوژی، مزیور امپریالیسم بعنوان پدیده‌ای فراطرازیست اقتصاد - اجتماعی ایران - هر چند که با تار و پود آن درهم می‌خشد و سیستم مزبور جدا از امپریالیسم نمیتواند به بقا، و حاکمیت خود ادامه دهد. مانع عمدتاً با زدارنده تغییر و تحولات انقلابی در ایران می‌باشد، و سیستم اقتصادی اجتماعی ایران مرفا حکم محمل اجرای این نقش امپریالیسم را دارد و بدین جهت است که امپریالیسم دشمن

بوسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!

## بیانیه وحدت...

عمده تلقی میشود. هرچند که این مبحث مفصل ترویجی و پیچیده تر از آنست که در این مختصر بدان پرداخت، ولی لازم به اشاره است، که از نظر ما - نه عمده تغییر و تحولات انقلابی جامعه ما، نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد، که این نظام با وجود آنکه از امپریالیسم نمیتواند مستقل باشد و کلاً وابسته به آنست، با زیمنا به نظامی از مناسبات و اجزای و روندها - هر چند وابسته به امپریالیسم - مانع اصلی تغییر و تحولات انقلابی جامعه است، و تا ثیرات عظیم و دیگرگون ساز ناشی از تغییرات درونی امپریالیسم از طریق این نظام مربوط و بواسطه آن سطح آن نتیجه خود را بوجود میآورد. و بدین جهت، ما - تفاد عمده ایوان که بر این تفادها بی چند است و تغییرات انقلابی و تکاملی جامعه در گرو و حل آن میباشد - تفاد خلق با نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میدانیم، و امپریالیسم در اصل و عمدتاً از طریق این نظام مانع و سلطه خود را تا مین می نماید. بدون آنکه بخواهیم استقلال نسبی بر نامه - های امپریالیسم را از نظام سرمایه داری وابسته در اشکال گوناگون عملکردهای مستقیم امپریالیسم که در سرکوب مبارزات انقلابی بروز میکنند دیده بگیریم، اما آنچه میباشد در تعیین نقش استراتژیک اقلی و طبقات و بر نامه های انقلاب در نظر داشت، برخورد هر کدام از آنها به نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد. و در این رابطه است که میباشد صف انقلاب از ضد انقلاب (خلق از ضد خلق) را تفکیک نمود.

نقطه نظر دیگر - هر چند که در بیانیه به طور مغلوب و شرمگینانه خود نمایی میکند - هیات حاکمه را بخاطر ماهیت بورژوازی آن ضد انقلابی میدانند. و چنین تحلیلی را چاره ای جز اعتراف به این واقعیت نیست که: حکومت بورژوازی و کلاً نظام بورژوازی در مرحله کنونی تکامل مبارزه طبقاتی، ارتجاعی است. زیرا در تمام عرصه ها راه حل بورژوازی در اساسی ترین و عا مترین شکل خود سد راه انقلاب و تحکیم کننده نظام سرمایه داری است. به عبارت دیگر ادامه انقلاب با تکرار شعارها و خواسته های عمومی میسر نبوده و با طرح شعارها و خواسته های مشخص ترو با محتوای تکامل یافته تری است که اجباراً در مقابل محتوی بورژوازی و شکل عمومی طرح آن قرار میگیرد.

نقطه نظر مغلوبی که در بیانیه خود نمایی میکند صرف نظر از تفسیرهایی که حاملین آن در انطباق نظرات خود با نقطه نظر دیگر دارند در صورت تکامل و تدو ام خویش مجبور است دیر یا زود اعتراف کند که ضد انقلابی بودن هیات حاکمه به خاطر صرفاً سرکوب مبارزه، توده ها بر علیه سرمایه داران بزرگ و وابسته و زمینداران و مالکان بزرگ و دستگاه بوروکراتیک، یعنی نه بخاطر صرفاً سرکوب مبارزه، توده ها بر علیه اقشار فوقانی بورژوازی و دستگاه بوروکراتیک آن، بلکه بخاطر سرکوب مبارزه، توده ها بر علیه نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است.

وابستگی ها و عقب ماندگیهای آنست. یعنی هیات حاکمه که ترکیب عمده و اساسی آن را بورژوازی بزرگ و وابسته به فتودالها تشکیل میدهد که است حکومتی نیست که فقط یا هدف اعمال حاکمیت و حفظ

قدرت کروهی خود برای طبقه دیگری جانفشانی کند یعنی هیات حاکمه، نماینده اقشار و طبقاتی است که برای نجات، حفظ قدرت سیاسی و تحکیم این قدرت بتفیع طبقات خود مخالفین را سرکوب میکند. و وجه مشترک منافع کروه بندیهای مختلف هیات حاکمه حفظ نظام سرمایه داری و استهلاک و بخرطاری بر روی مردم تیغ میکند. یعنی سطح مبارزه، طبقاتی پرولتاریا و متحدین آن از نظر عینی به چنین سطوحی کشیده میشود. یعنی بورژوازی تمام آلات فعل خود را از روجا - نیون گرفته تا لبرالها و فرمت طلبان واسطه آنها را بمیدان فرستاد تا یک چیرا ساسی سر حیات را از صرافا اقشار بورژوازی بزرگ وابسته

و فتودالها را نجات دهد و آنهم نظام سرمایه داری است. و هیات حاکمه هم با تمام کروه بندیهای مختلف و گاه متفاد آن باین خاطر ضد انقلابی است که با سدا ر چنین نظامی است.

حال اینکه ترکیب بورژوا و خرده بورژوازی هیات حاکمه با چه اتوبی هایی به فریب دادن توده ها و ادامه خماقت تاریخی خود مشغول اند، مسئله دیگری است. اینکه جناحی از هیات حاکمه نظام سرمایه داری را جدا از امپریالیسم تصور کرده، رؤیای خام نجات "سرمایه داری مستقل" را در شعار "نه شرقی و نه غربی" جستجو میکنند، و یا جناح دیگری رؤیای خاص خود را ب "تکیه به" امپریالیستهای تحت ستم "اروپا یی!!" دنبال میکنند و جناح دیگر "واقع بینانه" نجات سرمایه داری را در پیوند با امپریالیسم آمریکا و رد و بدل کردن اطلاعات و مشورت و کمک و... با آن می بینند بحث دیگری است. میتوان در تاکتیک روز، در روش برخورد، در میان این جریانات مختلف فرق گذار داد اما تاکتیک مرحله ای تنها یک چیز است: افشای تمام اتوبی های بورژوازی و خرده بورژوازی برای توده ها، بسیج پرولتاریا، توده ها، دهقانان و سایر زمینکشان، برای استراتژی مرحله ای: کسب قدرت سیاسی و نا بودی نظام سرمایه داری وابسته، البته امپریالیسم آمریکا دشمن ما است نه بخاطر اینکه میکوشد جناح خیال پساف تر هیات حاکمه را با کودتاسا سرنگون کند، و نه بخاطر اینکه گاه بفکر حمله نظامی برای تحکیم موقعیت "سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان و زمینداران بزرگ و مرتجع" از طریق سرنگونی هیات حاکمه می افتد، بلکه بالاتر از همه اینها و در درجه اول بخاطر اینکه تمام نیروی خود را برای حفظ نظام سرمایه داری وابسته که این دشمن عمده ما است بکارخواهد برد.

ما معتقدیم که میتوان مبارزه با امپریالیسم آمریکا را با تقویت فلان جناح هیات حاکمه و دادن زدن به توهم توده ها نسبت به اتوبی خرده بورژوازی توأم ساخت. ما معتقدیم که دنیا له روی از خط امام "لازمه" مبارزه با امپریالیسم نیست! ما معتقدیم که با پدید خط پرولتاریا به مبارزه با امپریالیسم رفت و با لخره ما معتقدیم که استفاده از جوانب موقتی تفاد امپریالیسم آمریکا با خط امام "که در عین حال "خط ضد کمونیست" و "خط ناجی نظام سرمایه داری" نیز هست، به پیوجوه احتیاج به خط مشترک سیاسی و تغییرات تاکتیک مرحله ای به تاکتیک "همکاری و مبارزه" با هیات حاکمه ندارد. زیرا خلعت اصلی "خط امام" خلعت تجا ت نظام سرمایه داری و وابسته است. مبارزه طبقاتی جاری در جامعه بسیار سریع تر و قویتر از آن حرکت میکند که چنین تاکتیکهای عقب افتاده ای را تحمل نماید. و آن جریان یی موفق به بسیج انقلابی توده ها خواهد بود که با ردا اتوبی های بورژوازی و خرده بورژوازی، با افشای ماهیت بورژوازی هیات حاکمه و متوجه نمودن لبه تیز حمله توده ها به بورژوازی، حکومت و کلاً نظام آن، حرکت نماید و اما نقطه نظر مغلوب و شرمگین بیا نیه در کجا نمایان میشود؟

"استقلال بمعنای قطع سلطه و فتودال امپریالیسم، تا مین منافع کلر گران و زمینکشان، بمعنای محواساسی ترین مناسبات استهلا رگرا نه و با زارنده در جامعه، یعنی سرنگونی سرمایه داران بزرگ و وابسته، زمینداران و مالکان بزرگ و محور وابست کمپرادوری (!) و فتودالی و با زارای اقتصاد کشور در جهت منافع وسیعترین توده - های خلق" (پاراگراف ۴)

آیا "پایگاههای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی" امپریالیسم چیزی غیر از طبقات و اقشار بورژوازی و کلاً آن نیروهای است که از نظام سرمایه داری دفاع میکنند؟ یا این با زرگانها و امیران نظامها و یزدیها نبودند که در تدارک احیای قدرت و فتودا آمریکا تلاش میکردند؟ آیا این مثال آنها بمثابة نمایندگان بورژوازی غیر انحصاری و متوسط در صدد باز کردن جایی برای قدرت یا بی مجدد

بقیه در صفحه ۱۳

# سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

# گزارشی درباره اعتصاب کارگران کوره پزخانه

رشته آجرپزی یکی از رشته‌هایی از صنایع ایران است که تولید آن در شرایط بسیار ابتدایی صورت میگیرد. کارفرمایان کوره‌های آجرپزی که از نیروی کار ارزان کارگران روستایی سود میبرند هیچ گونه کوششی در جهت مکانیزه کردن شکل تولید خود انجام نداده و به علت عدم آگاهی کارگران روستایی که برای لقمه نان به شهر آمده اند و اجباراً به همکاری تن می دهند از همان شرایط ابتدایی تولید هم سود زیادی میبرند. این شرایط ابتدایی تولید کارگران کوره پزخانه را بسیار دشوار کرده است و کارگران کوره پزخانه یکی از محنتکشترین کارگران ایران هستند. به علت همین شرایط عقب مانده تولید فعلی بودن کوره

توسعه یافته و پایان گرفته است. مبارزات کارگران کوره پزخانه حتی در زمان خفقان محمد رضا شاه با درگیری شدید با افسران و ارتش همراه بوده است اما به علت خود بخودی بودن و آگاهی ناچیز کارگران، علیرغم گسترش سریع آن به دیگر کوره پزخانه ها، کمتر از دواوم و پیروزی چشمگیری برخوردار است.

کارگران کوره پزخانه باید از قیام همواره خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدشان بودند. اما دولت جدید جمهوری اسلامی با حمایت از احزاب کوره ها هیچگاه حاضر به رسیدگی به وضع آنها نبوده است. رژیم جمهوری اسلامی در تمامی اعمال خود ثابت کرده که نه در جهت کارگران و محنتکشان بلکه همواره در مقابل خواستهای مردم بوده است. در سال

آنها استدلال میکردند که قیمت اجتناب و وسایل زندگی چندین برابر شده و هر روز هم افزایش پیدا میکند و تازه قیمت آجر در بازار هم ۱۰۰ تومان برای هرتن اضافه گشته است حقوق ما نیز باید افزایش یابد. به دنبال این اعتصاب کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد هم به اعتصاب میپیوندند، کارگران اعتصابی محمود آباد دو خاتون آباد به قرچک نزدیک ورامین رفته و از کارگران کوره های آنجا هم خواستند که از خواست آنها پشتیبانی کنند. کارگران قرچک نیز دست از کار کشیدند و اعتصاب ابعاد وسیعتری پیدا میکند.

این حرکت با مخالفت جبهه خواهان کارفرما و تشکرها و راننده ها روبرو میشود. راننده ها و تشکرها که ۱۲ ماه سال مشغول بکار هستند در وضع بهتری از کارگران کوره پزخانه به سر میبرند و با خواست کارگران کوره پزخانه همراهی نکردند.

در جریان این اعتصاب تعداد کارگران اعتصابی به ۱۵ هزار نفر رسید و کارگران اجازه نمیدادند حتی یک آجر از کوره ها خارج شده و بفروش

آورده و به سرکار میفرستد، اما کارگران به مقاومت دسته جمعی دست زده و رو به روی آنها میایستند و سر باز نمی زنند. آنها موفق میشوند سلاحهای پاداران را از کارگران پس بگیرند!

کارگران در پایان آنروز قطع نامه ای صادر کرده و در آن خواستار: ۱) افزایش دستمزد از ۷۵ تومان به ۱۳۰ تومان ۲) ساختمان حمام در محل کار ۳) بیمه درمانی، میگردند.

کارفرمایان در مقابل مقاومت کارگران راضی میشوند که دستمزدها را تا ۱۰۰ تومان بالا ببرند اما کارگران قبول نمیکند و اعتصاب ادامه میابد. این اعتصاب بر روی بخش وسیعی از کوره های اطراف تهران تاثیر میگذارد و در یکی از کوره پزخانه های شادشهر واقع در جاده ساوه یکی از کارگران به نمایندگی از بقیه خولتار افزایش دستمزد از ۷۵ تا ۱۰۰ تومان به ۱۵۰ تومان میگردد. در روز ۹/۲/۵۹ پاداران کمیته شادشهر را وادستگیر کرده و به کمیته میبرند. در آنجا پس از شکنجه این کارگر میاز به او میگویند که دیدی که حق ندارد از این حرفها بزند و اگر دفعه دیگر از این کارها کرد

## اخبار جنبش

استفاده از کارگران روستایی که از آگاهی بسیار کمی برخوردارند؛ کارگران کوره پزخانه ها از ابتدایی ترین حقوق کارگران رشته های صنعتی محروم هستند آنها به بیمه هستند، نه ساعت کار معینی دارند و نه از دیگر مزایای وام ممکن، غذای ارزان، و سرویس بهرهای نمیبرند. و حقوقشان نیز به صورت کارمزدی پرداخت میشود. و چون کار آنها به تنهایی خرج خود خوانده ها شان را نمیدهد مجبور هستند که زنان و بچه های کم سن و سالشان را هم با خود بکار ببرند. به علت پراکندگی، ابتدایی بودن شیوه تولید فعلی بودن کارگر به اعتنا جایی کارگران هم میشود. و آگاهی ناچیز کارگران روستایی مبارزات کارگران کوره پزخانه با وجود آنکه از خنثیت و مبارزه جویبی بسیاری برخوردار است اما همواره به خود بخودی ترین شکل آغاز گشته.

گذشته عده ای از کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد دست به اعتصاب زدند و مزدشان را از ۱۰۰۰ خشت ۵۰ تومان به ۷۵ تومان رسانده اند بعد از افزایش دستمزد کارگران، کارفرمایان که اجرائی ۵۰ تومان میفروختند آنرا به صورت قاچاق و در بازار آزادتنی ۴۰ تا ۴۵ تومان بفروش می رسانند و در نتیجه دولت هرتن آجر ۲۸۰ تومان بود ولی کارفرما قاچاقی ۳۲۰ آنرا ۱۸۰ تومان میفروخت و از این ۱۸۰ تومان فقط ۷۵ تومان آنرا بابت کار انجام شده به کارگران میپرداخت.

مبارزات اسال از کوره پزخانه های محمود آباد از روز شنبه ۵۹/۲/۶ آغاز شد و کارگران با دست زدن به اعتصاب خواهان افزایش دستمزد از ۷۵ هزار ۷۵ تومان به ۱۳۰ تومان شدند و علاوه بر خواستند که بیمه شده و در محل کار خود حمام داشته باشند.

کارگران در جریان اعتصاب یکی از کارفرمایان را که مانع و مخالف اعتصاب کارگران کوره خود بسو د کت زدند و همچنین شیشه ماشین یک کبیری را که در مقابل کارگران ایستاده بود شکسته اند.

در روز اول اعتصاب پاداران برای خاتمه دادن به اعتصاب به کمک کارفرمایان و سرمایه داران آ. ت. مدد و در مقابل مقاومت کارگران شروع به تیراندازی هوایی و برتاپ گاز اشک آور نمودند کارگران نیز متقابلاً دست به کار شده پاداران را محاصره و آنها را خلع سلاح کردند و ۴ قبضه ۳ آنرا به غنیمت گرفتند. پس از این واقع در همان روز از اسکا با قرا با دیک ریو ارتشی پرا سر بازان ملحق به محل اجتماع کارگران می آید و با تهدید و ارباب سعی میکند کارگران را پراکنده

سروکارش با زندان خواهد بود و بعداً و راه کمیته مرکزی میفرستند! کارگران به محض اطلاع از دستگیری نماینده شان سوار ماشین های کمپرسی حمل آجر شرکت شده و در جلو کمیته شادشهر میروند و کارگران که تعدادشان به ۱۰۰ نفر میرسد به دستگیری نمایندگان اش اعتراض میکنند و میخواهند که هر چه زودتر آزاد شود. پاداران در جواب میگویند و او را از اینجا برده اند و کارگران اظهار میکنند که اگر تا آخر امروز او را آزاد نکنید همه کارگران کوره پزخانه های دیگر را به اینجا میآوریم و این محل را روی سرتان خراب میکنیم. کمیته جی ها در مقابل این مبارزه قاطع کارگران عقب نشینی کرده و بعد از ۱۸ ساعت نماینده کارگران را آزاد میکنند. اعتصاب کارگران کوره ها به صورت خود بخودی شروع شده بود و رهبری ندا

## مرگ برامیر یال یسم و ارتجاع

## گزارشی...

شت و بصورتی با زهم خود بخودی به بقیه بخش ها سرایت کرده بود. این اعتبار یک هفته طول کشید و کوره های قرچک، خاتون آباد، محمودآباد در آن شرکت کردند اما به کوره های جاده ساه، چهار دانگه و شین آباد سرایت نکرد. در ادامه اعتبار سندیکا ی کا- رگران کوره ها که محل آن در محمود آباد (واقع در مسیر جاده خساوران) است در جریان دخالت گرد. این سندیکا توسط هیئت مؤسس کشف و رسیو کارگران ایران که به حزب رنجبران وابسته است، کنترل و هدایت میشود.

سندیکا فوراً خود را در این جریان قرار داد و سعی کرد کارگران را به آرایش دعوت کند. سندیکا به کارگران میگفت که در این شرایط مملکت تماماً به ضرر انقلاب و به نفع ضدانقلاب است! تلاش میکرد که کارگران را از ادامه اعتصاب بازدارد کارگران برای پاسخ به خواسته های شان مهلتی را تعیین کرده بودند و سندیکا ی ضدکارگران سعی میکرد که تا قبل از پایان این مهلت آنها را سرکارشان بفرستد و وعده میداد که خود خواسته های شان را دنبال کنند.

سندیکا از کارگران خواست که از هر کوره یک نماینده انتخاب کرده و روز سه شنبه ۹۹/۲/۱۶ به محل سندیکا بفرستند تا از این طریق به خواسته های رسیدگی کنند. و با این فریب کارگر-

ان را از روز شنبه ۹۹/۲/۱۳ به سرکارها- نشان بازگرداند. کارگران در حالی به سرکار می رفتند که امید داشتند سندیکا کاری برای شان بکند و به خواسته های شان جامه عمل بپوشاند.

سندیکا بعلمت ما هیئت ضدکارگریش به احتمال زیاد سعی خواهد کرد برای جلوگیری از گسترش بیشتر اعتصاب که این دفعه مسلماً تمام کوره پزخانه ها تهران را دربرخواهد گرفت، تا حدی به خواست افزایش دستمزد کارگران پاسخ دهد و به این ترتیب اعتصاب کارگران را هم چلب کند.

سرما رزات کارگران کسوره پزخانه ها یکبار دیگر نشان داد که حتی رادیکالترین و انقلابی ترین-

مبارزات کارگران و زحمتکشان آنکا که عنصر آگاهی در آن شرکت نداشتند و از نقشه ویرانه های برخورداریا و بصورت خود بخودی آغاز شده بودند میتوان با فریب کارگران توسط بورژوازی به شکست منجر شود. کارگران، کمیته و با سدار و انریش را میشناسند و در مقابل سرکوب آنها به اعتبار خود ادامه میدهند سندیکا ی وابسته به حزب رنجبران، این حزب سرمایه داران هنوز میتواند در لباس دوست کارگران به فریب آنها دست زده و مبارزات آنها را به شیوه ای دیگر خاموش میکند. شکست یک مبارزه خود بخودی، کارگران مبارز را هر چه بیشتر به لزوم داشتن نقشه و برنامه به فکر شده برای هر حرکت مبارزاتی آگاه میگرداند.

بقیه از صفحه ۱۰

## خون سرخ رفیق رزمنده ما...

و هیات حاکمه، با ردیگر، در جنگی با برادر، دست بخون یکی از انقلابیون کمونیست آلوده شد. رفیق تقی با مبارزه شناخته میشد. آشنایی با تقی برای هر کس، آشنایی با مبارزه بود و زندگی او، لحظه ای از تاریخ مبارزات پر شور

مبارزی مدیق و پر شور در راه رهایی زحمتکشان تبدیل کرد.

او آنچنان به توده ها عشق میورزید که در میان نمیکند، عشق آتشین او به مبارزه مرزی نمیشناخته

مبارزاتی او بود، افشاکری های علنی و شعار نویسی روی تخته سیاه تشبه و توزیع اعلامیه، از کارهای بی بود که رفیق به آن مهارت میورزید. او به توده ها عشق میورزید. همیشه میگفت: "باید در میان توده ها

دستی در ارتباط با محفلی که خود بوجود آورده بوده به کار جا و پیخشی اعلامیه و جزوات کمونیستی پرداخت. او همیشه دیر بر سر خطر قرار می گرفت و با از خود گذشتگی هایش و عمل متورانه اش راهنمای دیگران بود.

\*\*\*\*\*

## پرچم خونین سوسیالیزم، با خون سرخ رفیق رزمنده ما، گلگون تر باد!

\*\*\*\*\*

توده ها و عشق عمیق به توده ها بود. تقی تجلی خورش خلق در روند پرتلاطم تاریخ بود. او یکی از آگاهترین و دلیرترین فرزندان راستین خلق بود. نمونه بارز یک رزمنده کمونیست که هر جا آتش مبارزه تندتر بود و خطر بیشتر احساس میشد، همانجا حضور داشت. تقی با عشق به آرمان طبقه کارگر، با عشق به سوسیالیزم، لحظه ای آرام نداشت.

رفیق از دوران کودکی، با در دورنجهای کارگران و زحمتکشان آشنایی پیدا کرد و خیلی زود با بهر صه مبارزه گذارد. رفیق که از سال ۱۰ با مارکسیسم - لنینیسم آشنایی پیدا کرد، و این آشنایی او را به

رفیق در این سال، در تب و تاب مشی چریکی تصمیم گرفت به فلسطین برود و در این راه از با نمیشناخته اما بعلمت امکانات محدود این عملی شد.

مبارزات رفیق در سال آخر دبیرستان بسیار چشمگیر بود. او در دبیرستان نسیل صداقت، محبت، مفا و صمیمیت بود و همه، همکلا سی. هایش با این خصوصیات رفیق را میشناختند.

سادگی، برخورد های رفیقانه و منطقی او، بچه ها را بخود جلب میکرد و بقول بچه ها خیلی خاکی بود. خیلی بی مذا بود. دبیرستان یکی از عرصه های

زندگی کرد، و زندگی مشقت بار آنها را لمس کرد. با بدنبش ما با نبش توده ها بزند، با بد وضعیت توده ها را در کرد.

اول لحظه ای آرام نمیکرفت، پیر کاری و بیشتکار، پیگیری و جان سختی در مبارزه، همراه با صداقت سرشار از محبت او، شخصیت برجسته ای به رفیق داده بود.

در شرایط خفقان آن سالها، رفیق مبارزه را با دقت و هوشیار بی نظیری پیش میبرد. به تسمه اد زیادی از محطین کتاب میداد و آنها را هدایت میکرد.

او با ساختن دستگاه پلی کیبی

ناستان ۵۲ سال ۵۲ تنگ نیروهای امنیتی رژیم شاه افتاد و در زیر شکنجه های وحشیانه ساواک عشق عمیق خویش را به توده ها، به نمایش گذاشت.

رفیق زندان را نرسه جدیدی از مبارزه میدید. او میگفت زندان هم یک مدرسه مبارزه طبعی است. رفیق تقی در مدت بسیار کوتاهی در قلب رفقای زندان جای گرفته و همه از صداقتش و ایمانش به توده ها آگاه شده بودند. او کمونیستی بود که واقعیت داشت خلعت با روش همه را به وجود می داشت.

بقیه در صفحه ۱۳

# اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده

این رسم و راه همه، نظامی و طبقاتی و همه، رژیم‌های ضد خلقی است که از آگاه شدن خلق وحشت دارند. آنها به هر خدعه و ترفیع و بهر وسیله‌ای دست میزنند تا بتوانند از آگاه شدن خلق جلوگیری کرده و برسانند. مطبوعات آزاد انقلابی چون خاری بر چشم ارتجاع بوده و تحمل آن برایش غیر ممکن است. این دومین هجوم سازمان یافته به مطبوعات انقلابی است. اگر چه با راول را مقاومت نیروهای انقلابی و هوشتاری خلق، تا حدی تا کام گذاشت ولی گویا این بار، آنها با عزمی راسخ تر که از تیرس و وحشت آگاه شدن خلق منشأ میگیرد وارد میدان شده و برای همه آگاه غفروش گرفته تا کسی که خانه‌ای را آجاره میدهد، از آنها رها گرفته تا چایخانه‌ها و زینگ سازها و خروچین‌ها و خلاصه هر تناسله‌ای را که در کار چاپ نشریات انقلابی عمل میکنند، خط و نشان میکشند.

## توقیف نشریات و سرکوب نیروهای انقلابی

قدوسی، داستان انقلاب، در اطلاعی خود، آزادی را به مثابه هدیه‌ای که رژیم حاضر به خلق "هدیه کرده" است و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی قدرت آن را ندانسته "کفران نعمت" کرده اند نام میبرد و قصد خود را در پس گرفتن این "هدیه" تهدیدها و خطراتی شدید و بیست چنان پخته‌ها و توقیف چایخانه‌ها را اعلام میکند.

خلق ما که سالها تحت سلطه، اختناق زندگی کرده، این علائم سرکوب، خودکامگی و دیکتاتوری افسارگسیخته را بخوبی میشناسد. راستی چه کسانی از آگاه شدن

خلق میترسند؟ کسانی که ادها میگردند آنقدر از منطق قوی و مستدل برخوردارند که هیچ تناسله‌ای را برای مقاومت در برابر آن نیست و وعده "همه گونگی" آزادی‌ها را میدادند، اکنون، در عرصه قدرت برای سرکوب خلق و جلوگیری از آگاه شدن آن و افشای اعمال رسوای خویش، هیچ چاره‌ای جز بگرو و بپندهای مرسوم و بستن چایخانه‌ها و توقیف نشریات (که البته هیچگاه آزاد نبوده‌اند) میادرت میکنند.

آنها از انتشار روزنامه‌های انقلابی وحشت دارند زیرا از آگاه شدن خلق میترسند تا تنهادر اینجابه‌آقای قدوسی یاد آوری میکنیم که آزادی بدست آمده که

روز بروز از طرف ارتجاع مورد حمله قرار میگیرد، نه هدیه، ایشان ونه هدیه رژیم، که نتیجه مبارزات طوب لانی نیروهای انقلابی و کمونیست و خلقهای دلیرو مبارز ایران بوده است که درخت آترابا خون دهها هزار شهید آبیاری کرده و خواهند کرد. نیروهای مبارز و آگاه کموس نیست‌ها و انقلابیون همانطور که در رژیم فاشیستی پهلوی علیرغم همه فشارها، زندانها، اعدامها شکنجه‌ها، به انتشار و اوراق و نشریات برای افشاکری و آگاه سازی خلق میپرداختند، اکنون نیز علیرغم غم همه، تهدیدها و ترورها و زندانها وظیفه انقلابی خویش را در سوا سوا زی ارتجاع، به سرانجام خواهند رساند.

بقیه از صفحه ۱۲

روحیه تهاجمی اودر زندان و مبارزه پیگیری که در آنجا میکرد، بارها او را به زیر شکنجه برد و اودر حرکت های جمعی نقش فعالی داشت.

زندان برای اودستاوردهای پرباری از تجربیات به همراه داشت پس از ادر شدن از زندان، رفیق با بینشی عمیق تر و با درکی درست تر از مبارزه، وارد دانشگاه شد، وارد شدن اوبه دانشگاه آگاهانه نبود، اودانگاه را عرصه ای انبیا رزم میداند که اگر درست هدایت شود میتواند تاثیر زیادی بر توده ها بگذارد.

اوتوانست حرکت دانشجوئی داخل دانشگاه را به سمت محله های کارگری بکشاند، اوتظاهرات موضعی

جلوی کارخانه ها را هدایت میکرد و همیشه در صاف اول و با صدای بلند و با گامهای استوار پیش میرفت و همیشه رهنمودهای صحیح و عملی میداد.

دراواسط دوران دانشجویی، با مشی انحرافی چریکی، برخوردفا طعی کرد و توانست تا شیر و اوان بر دیگر رفقا بگذارد، اوتا بستانها به کارخانه میرفت و نقش یک رزمنده مبلغ کمونیست را بخوبی انجام میداد.

اوتوانست در سال ۶۸ کمک سایر دانشجویان، جشن اول ماه مه را در رژیم اختناق پهلوی برپا دارد و اوازرهبران آن جریان بود.

در قیام تبریز (۲۹ بهمن ۵۶)

در رأس صف تظاهرات کنندگان چندین هزار نفری بود، اوبا اوج جنبش توده ای سرازیا نمیشناخت، در این جریان به سختی زخمی شد اما با شوق فراوان به مبارزه خیابانی ادامه داد و در حالی که دیگر توان برایش باقی نمانده بود اها لی محل او را به خانه برده و مداوا میکنند.

رفیق با برخورد ایدئولوژیک با تشکلهای درون جنبش کمونیست سرانجام به "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" پیوست و برای ادامه مبارزات راهی کردستان شد. رفیق تقی که فارغ التحصیل رشته شیمی از دانشگاه تبریز بود در سنج در دانشکده تربیت معلم به تدریس پرداخت.

در حمله، اخیرا رتش و با سارا س دخلقی به شهر سنج و بمباران وحشیانه این شهر، رفیق نیز همراه دیگر زحمکنان خلق کرد، به دفاع از آزادی پرداخت و سرانجام در جریان یکی از همین بمباران ها و بمببوستن های شهر، توسط هلی کوپترهای آمریکایی، به شهادت رسید.

خون رفیق تقی، در رک انقلاب خلقهای ایران جاری شد و حیيات جاودانه یافت.

یادش گرامی و شهادتش مبارک باد! مرگ برامپریالیسم و ارتجاع! مرگ بر سرمایه داری وابسته امپریالیسم! درود بر همه شهدای خلق کرد!

امپریالیسم در ایران نبودند، بورژوازی که اعم از انحاری و غیر انحاری و بزرگ و متوسط آن در تلاش برای احیای قدرت از دست رفته امپریالیسم میباشد، باید بعنوان یک طبقه درهم شکسته و نابود گردد. و این مضمون تبلیغ و ترویج و سازماندهی و شعارهای مابرای کسب قدرت سیاسی خواهد بود.

در این صورت، پس چرا اینها به مرفاه "سنگونی سرمایه داران بزرگ و وابسته" میانیدند، و هیچ سخنی از بورژوازی متوسط که در قدرت کمه حضور دارد، به میان نمیآورد، و هرگز موضع و تاکتیک خود را در برابر این بورژوازی متوسط روشن نمینماید؟

آیا اساسی ترین مناسبات استثمارگرانه چیزی غیر از مناسبات سرمایه داری است؟ آیا "اساسی ترین مناسبات استثمارگرانه" در جامعه مناسبات فئودالی و یا مناسبات اختراعی "کمپرادوری" (!) است؟ (شاید؟! ) آیا واقعا "محواساسی ترین مناسبات استثمارگرانه" آنه "مورد نظرات و یا تعدیل مظاهری از این" اساسی ترین مناسبات استثمارگرانه؟

ملاحظه میکنیم که این نقطه نظر شرمکین است، و نه نظام سرمایه داری وابسته در کلیت خود، بلکه سرمایه داران بزرگ و وابسته، زمین

داران و مالکان بزرگ و روابط "کمپرادوری" (وابستگی!) را میخواهد همحک کند.

در جای دیگر میخوانیم:

"هیات حاکمه که با سوار شدن بر امواج مبارزات و قیام خونین توده ها و سازش با امپریالیسم قدرت را بدست گرفت ماهیتی اساسا بورژوازی دارد و بنا بر ماهیت طبقاتی اش ناتوان از حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه، عاجز از پاسخ گویی به خواسته های دمکراتیک - فدا امپریالیستی مردم و بطور کلی فاقید بتانسیل و توان ادامه انقلاب است." باراکراف

اما با زهم نقطه نظر شرمکینی است و تنها پس از ذکر دلایلی در باب اینکه هیات حاکمه بعلا آنکه جلوی مبارزه توده ها بر علیه بورژوازی بزرگ وابسته و فئودالها را گرفته است، در باراکراف، نتیجه میگیرد:

"بدین سان (ایضا طرما هیت و یا عملکرد؟) هیات حاکمه کنونی ضد انقلابی است و با عملکرد، سیاست و برنامه های ضد خلقی خود در مقابل کارگران، دهقانان و دیگر زحمکنان و خلقها ایستاده است."

سرمایه داری وابسته را در هم خواهد کوبید!

# همه تجهیزات آمریکایی در خدمت سرکوب خلق کرد

بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بوسیدگی سیستم سرمایه داری وابسته و جنبش روبه اعتلا توده های انقلابی سببیت هیئت حاکمه را به تنهایی درجه ممکن در گردستان بنمایش گذاشته است. هیئت حاکمه با تمام تجهیزاتی که از حکومت شاه به میراث گرفته است بر خلق قهرمان کردهجوم برده است ارتشی که دیروز "میدانهای ژاله" طغیان توده های قهرمان مبارک در امواج پرتلاطم خورشان برای لحظه ای فرو نشاند "الله زار" بهشت زهرا "گویا ترین سند" برادری "انست امروز با شراره های خشم خلق قهرمان کردستان بر دکان شیرخواره و پیر مردان پر کینه آن به مصاف ایستاده است تا اگر رژیم شاه منقرض شود از بحران نجات دهد. عدالت حکومت جمهوری اسلامی را تحقق بخشد. تا اگر ما هیت خود را بنمای نتوانست در گذشته نشان دهد آنرا در گردستان در موج موج خون خلق قهرمان کردستان پیش بگذارد و هیئت حاکمه اگر نتوانست که نمیتوانست خواست توده ها را تحقق بخشد کشتار توده ها را با وفا حتی تمام تحقق بخشد. اگر نتوانست ارتش آمریکا ساخته را که خلق آماج حمله خویش قرار داده بود درون ارتش خلق مستحیل نماید آنرا با زمازی دهد و تا آن در جهت اصلی سیاست خود که سرکوب خلق است بهره مند شود.

آنچه امروز در گردستان میگذرد آنچه طی عمر کوتاه هیئت حاکمه در گردستان گذشته است از یکسوی زتاب عالی ترین تجلی مبارزات توده ها است که برای دست یافتن به خواسته های خویش در سبیلی از خون جوانان استوار ایستاده اند و از دست آورده های مبارزات خلق قهرمانان به پاسداری مینماید و از سوی دیگر ما هیت هیئت حاکمه ای را نشان میدهد که برای پاسداری از سیستم سرمایه داری وابسته برای انهدام دست آورده های مبارزات خلق کردستان از تجهیزات ارتش آمریکا کهریزی بر علیه خلق قهرمانان میبرد به بهره مندی میشود. هیئت حاکمه به عربان ترین شکل ممکن در گردستان ما هیت ضد انقلابی خود را در قطره قطره خون فرزندان دلاور کردستان بنمایش گذاشته است و از هیچ خیانتی فروگذار نمیکنند. دامنه محاربه اقتصادی این خلق قهرمان را تا حد ضبط "شیر

خکی "که برای کودکان شیرخواره جمع آوری شده بود گسترش داده است عداوت طبقاتی خود را به زخم دیدگان و مجروحین با ضبط دارو پیش برده است. هرگونه امکان نظامی که شاه

بحران حاکم اجتماعی - اقتصادی برخاسته و تنها با انهدام سیستم حاکم با زوری توانای خلق میتواند فروکش کند. هرچه بحران عمیق تر میشود عمق ما هیت هیئت حاکمه نیز

بتوانند بقیعت کشتار عمومی خلق کرد "آرامش" غارت و غارت را به گردستان بازگردانند. اما واقعیت مبارزات توده ها و واقعیت هیئت حاکمه و عمیق بحران خشن تر از آنست که انواع سلاح های سنگین بتوانند یا رای مقابل با آنرا داشته باشند. تاریخی انباشته از ستم و استثمار آنچنان شور مقاومتی برای خلق قهرمان کرد فراهم آورده است که این خلق مدفون خواهد شد. و گردستان



عرصه مبارزه ای است که تلاش هیئت حاکمه را برای جلوگیری و سرکوب مبارزات توده ها نشان میدهد. گردستان آن سند سرخ هیئت که اوج مقاومت خلق و اوج جنایات یک هیئت حاکمه ضد انقلابی را با خون خلق کردستان رسانده است از هر سو که آنان بر گردستان هجوم آورند و بهر ابراز جنایتی که آنان شول جویند بحران اجتماعی و اقتصادی از هر سو بر آنان هجوم میبرد و خلق قهرمان کردستان نخواهد بود که ارگران و زخمیشان ما، خلق های ستمدیده، دوشادوش خلق کرد پرچم پرافتخار مبارزه را برافراشته خواهند داشت \*

عیانتر میشود. آنها گردستان را میدان آزمون انواع سلاحهای ارتش ضد انقلابی خود کرده است، بمباران فانتوم ها و گیارهای هلی کوپتر های هیئت حاکمه نتوانسته است مقاومت خلق کرد را درهم شکند از اینرو ست که طی تقاضایی "خیلی محرمانه" از "لشکر ۲۸ سنجند" به "اداره مهندسی ستاد مشترک بخش غرب" خواسته میشود تا فرودگاه سابق سنجند را با "اقدام سریع" "بمنظور فرود هواپیما هلی ۱۳۰ و وسایل سنگینی" ترمیم شود آنها در این سند نیز نشان داده اند بهر آنچه در پستوها و انبارهای ارتش گروزی آمریکا برای ناوگان فراهم آورده بود متوسل شده اند تا شاید

این دست آموزا میرا لیسیم به خون بیاه زخمیشان فراهم آورده بود بکار گرفته است تا مقاومت این خلق پرافتخار را درهم بکشد. این تهاجم وحشیانه این جنگ و دشمنان خرنین هیئت حاکمه، این تبلیغات انباشته از دروغ و خیانت هیئت حاکمه نمیتواند بر خیزش طوفان زای توده ها در متن بحران عمیق موجود که می رود تا سراسر زمین را در بر گیرد غالب آید. مقاومت خلق کرد تجلی گوشه ای از این مبارزات است که رژیم را با تمام تجهیزات و پیراه نگارش در منجلابی از تشتت و فرومایگی فرو برده است. مبارزاتی که از بنطن

## برقرار باد جمهوری د مکرانیک خلق!

# تاریخچه تشکیلاتی و مبارزاتی کمیته نبرد

ضمیمه رزمندگان شماره ۱۲

رج را خیره ساخت و بگردن زمان مربوطه حلقه زدند. این مسئله باعث شد که سازمان مربوطه تمام هم و غم خود را به ارائه تئوریهای بازهم داد. غتر، و فعالیت فوق العاده در بسط تشکیلات دانشجویی در خارج معطوف نماید. ادامه این خط مشی در طول سال فوق (۴۸-۵۲) بندرچیک وضعیت بحرانی را در سازمان بوجود آورد. به این ترتیب که سازمان از یکسودر ادامه به ارائه تئوریهای "تاب" در باره لزوم سازماندهی کارگران و دهقانان، ایجاد حزب و... میپرداخت، اما از سوی دیگر تمام نیروی خود را معطوف به بهره برداری از نتایج این فعالیت تئوریک، انتشاراتی و... در میان دانشجویان خارج از کشور مینمود. رفته رفته هم تئوریها در تلاش برای غنا و منطبق شدن با واقعیهات جامعه از درون تهی میگشت و به تراوشت ذهنی محافل روشنفکر بیگانه از عرصه عمل تبدیل میشد و هم اینکه تشکیلات وسیع دانشجویی داغ و ملتهب نیروی بیشتری را برای سازمان یافتن طلب میکرد و سوالات و نیازهای متعددی را پیش میکشید که همگی به چگونگی فعالیت در ایران و چگونگی آماده شدن برای فعالیت در ایران و... مثالهم باز میگشت.

سازمان در دور باطل عجیبی گیر کرده بود: از یکسو همه را برای فعالیت در ایران تهییج میکرد و از سوی دیگر تمام نیروی خود را در کنترل این هیجان در دانشجویان اختصاص میداد. ادامه این روش اپورتونیزم شدید فوق العاده ای را در بسط تشکیلات و در میان کارهای درجه اول آن بوجود آورد. آنها رفته رفته به مرکز ادعا، ارائه طرح، سرگردان کردن افراد، تلقین لزوم تحمل شرایط موجود و... تبدیل شدند.

بحران در سازمان اوج میگرفت و اعضا مادی سازمان زایه ناراضی میشدند. کار بجایی کشید که سازمان مجبور گشت که با اعزام "نقشه مند" هسته هایی از سازمان برای اولین بار کامسی در جهت تحقق ادعاهای خود بردارد. هسته ما در چنین شرایطی و با تصور اینکه یکی از هسته های متعددی است که در برنامہ انتقال به ایران منظور شده اند بوجود آمد. اما بعد معلوم شد که در واقع اولین آنها بوده است!

در سال ۵۳ سازمان برای فعالیت جدی در انتقال به ایران طرح معینی را تدوین کرده بود. طرحی بنام "دستگاه افشاگری سراسری" که قرار بود چون ایسکرا هم مروج و مبلغ بشود و هم سازماندهی همه ایران را بیونانند و به ارگان تغذیه کننده، محافل مختلف م. ل. تبدیل شود. ارائه این طرح ثور جدیدی در میان اعضا و هواداران سازمان در خارج بوجود آورد. مطالبه آثار رشتین و موفقیت ایسکرا همه را به هیجان آورده بود. برای اجرای طرح فقط "یک چیز" کم بود، آن محافل م. ل. که در ارتباط با ارگان کارکنند، آن اعضا و تشکیلات سازمان که ارگان را بجز خاندن و ترتیب تدارکات چاپ و حمل و نقل و توزیع آن را بدهد، آن تشکیلاتی که کارگران آگاه را در حول ارگان جلب کند، آن شبکه گزارش و خبر و تحلیل از بیطن جامعه که ارگان را تغذیه نماید، آن وحدت نظر در میان جنبش کمونیستی که لازم است

اکنون دوسال از اعلام موجودیت گروه ما میگذرد. در ۲۵ اردیبهشت ۵۲ گروه برای انجام وظایفی که در پاسخگویی به نیازهای جنبش انقلابی بردوش خود احساس میکرد و بدنبال یک دوره کار درونی و مرتبط نمودن محافل مختلف فعالیت گروهی خود را آغاز کرد. دوسالی که از آن هنگام تا بحال گروه ما پشت سر گذارده است، دوسال عادی نبود. دوسال زبهرانی سرین و انقلابی ترین دورانهای تاریخ معاصر ایران، دوسالی که هر روز آن خود معادل ماهها فعالیت در شرایط عادی بوده است. دوسالی که رشد جنبش انقلابی توده های مردم با قانومندیها و خصوصیهایی معین خود را و سپس تحولات و فعالیت شدید اقتصاد و طبقات مختلف در زمان کم نظیر و از گونی یک رژیم راناشهد بود. دوسالی که بیش از نیمی از آن در التهاب های مبارزه طبقاتی در اشکال و اعماق جدیدی بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و پاداران جدید آن گذشته است گروه ما کوشید تا در این کارزار عظیم مبارزه طبقاتی، در این طوفانی که خفته ترین گروه های مردم را در دور افتاده ترین نقاط به حرکت درآورد و بدینهم خود تمام امکانات و نیروی خود را بفعل درآورد. آنچه گروه ما در این راه انجام داده است را تنها با بررسی تاریخچه پیدایش گروه و فعالیت های آن در دورانهای مختلفی که پشت سر گذارده است میتوان رسیافت.

## تاریخچه پیدایش

از اوائل ۵۳ چند نفر از اعضای "سازمان انقلابیون کمونیست" در خارج از کشور به تصمیم سازمان در یک هفته ویژه متشکل شدند تا برای انتقال به ایران و انجام وظایف معینی که سازمان بر عهده آنها میگذاشت آماده شوند. هر کدام از این افراد مدتی در بخشهای مختلف سازمان فعالیت نموده و قابلیت خوبی از خود نشان داده بودند. در آن موقع (سال ۵۳) حدود ۵۰۰ نفر از اعضا سازمان میگشتند. در این مدت این سازمان رشد چشمگیری در جنبش دانشجویی خارج از کشور نموده و علت اصلی این رشد دو عامل بود: یکی مبارزه با خط مشی اکونومیستی و یوپولیستی سازمان انقلابی در جنبش دانشجویی و دیگری: اتخاذ یک روش فعال و بی پروا در مبارزه با تئوری مشی چریکی، تاکید بر روی ضرورت سازماندهی طبقه کارگر و دعوت به فعالیت نقشه مند برای ایجاد حزب از طریق وحدت م. ل. با همه سواغات این سازماندهی.

نقطه نظرات تئوریک - سیاسی فوق با توجه به غلبه مشی چریکی در ایران و طبقه با زتاب وسیع آن در خارج، وجود انواع و اقسام کرایشهای التقاطی در محافل خارج، چشم بسیاری از دانشجویان خا-

اجرای موفقیت آمیز طرح باشد و...!!

فراهم نمودن بسیاری از تدارکات لازم در ایران، امکانات چاپ، حمل و نقل به شهرها، ایجاد محافل از کارگران پیشرو، ایجاد شبکه پخش و حتی برای شروع کار فراهم نمودن امکان حمل و نقل از مرزبطور مخفی به هسته جوان و بی تجربه ما و گذاردن به این ترتیب سازمان مسئله را حل نمود!! ایما قبولانده میشد که توانایی همه اینکارها را بشرط آنکه اراده کنیم داریم و همه چیز را در ایران فرا خواهیم گرفت!! افراد بیشتری بتدریج با ما در تماس گذاشته خواهند شد، تماس با گروههای دیگر در ایران فراهم خواهد شد و... اگر یک نفر از ما اهل فلان شهر بوده همین برای ایجاد یک حوزه تشکیلاتی در آن شهر کافی بود!! گویی از ما شنایی در یک شهر مرزی داشت همان برای حل مسئله حمل و نقل مخفی از مرز کافی بود و قس علیهذا.

هسته ما تا اوایل خرداد ۵۳ دوره ای از آمادگی تشویریک، پیاده گرفتن قنون عملی (رمز جاسازی و...) را میگذراند و در اوایل ۵۳ تا اوایل ۵۴ میادوده های داده شده و با تکیه و اعتماد به تجربه فعالیت سازمان در ایران و با اعتماد به آنچه به هسته قبولانده شده بود به ایران منتقل شد. از همان ابتدا هسته رفته رفته به پیوج بودن طرحهای ذهنی و ابداً میسر میبرد. ارتباطهایی با چند نفر دیگر که قبلاً بطور اتفاقی از طرف سازمان به ایران آمده بودند و قرار بود در اجرای طرحهای سازمان راهنمای ما باشند به رسوایی سازمان را برای ما نشان داد. افراد مزبور بنوعیه خود بظلمت و وعده های سازمان را تجربه کرده و حتی حاضر نبودند که در باره سازمان صحبت کنند!

هسته در بحران روحی عجیبی بسر میبرد، مشکلات افراد آن که در اثر تعقیب ساواک شدت یافته بود، پراکندگی آن و مشاهده وضعیت جامعه که کلاً با ارزیابی های سازمان تناقض داشت هت را اغافلگیر نموده بود. هسته هنوز نمیتوانست به ریشه انحرافات و درهای خود که ادا نموده انحرافات سازمان بود پی ببرد. بعداً هیچکدام از قرارهای از قبل تعیین شده برای الحاق افراد جدید به هسته از روی سازمان اجرا نشد. و در تماسهای بعد معلوم شد که سازمان یا فراموش کرده، یا صلاح ندیده و یا بیور کراسی تشکیلاتی اجازه انجام تعهدات خود را نداده است.

بتدریج هسته در محیط کار روزندگی خود به امکانات مستقلسی دست یافت. با محافل و افراد مبارز آشنا میگشت و این پیرو هر چند کند و گام به گام پیش میرفت ولی تنها امیدوزمین، فعالیت هسته بود. هسته عملاً با سازمان بی ارتباط بود، عملاً از طرح آن خارج شده بود، عملاً به بیاطلاعت ادعا ها و طرحهای سازمان بی میسر دولی هنوز انتقادات خود را بصورت یک نظر مشخص و تدوین شده در تیرا وده و هنوز در تلاش به سودتساها و متوجه نمودن سازمان به امکاناتی که هسته خود مستقلاً بدست میآورد و بدو هر کدام از تاساها نشان میداد که سازمان غرق در فعالیت های دانشجویی، غرق در اپورتونسم بوده و بصراحت فقدان برنامو توجه خود را نسبت به فعالیت در ایران توجیه میکند و تمام نیروی خود را به بحث های روشنفکرانه به اراشه نظرات دور از واقعیت و به ادا موزندگی اپورتونستی در خارج از کشور معطوف میدارد.

تا سال ۵۵ که اوگیری مبارزات طبقاتی در جامعه قابل لمس شد، کار هسته تلاش در سازمان دادن و فعال کردن محافل مرتبط با خود بود که تا آن زمان فعالیت های انفرادی و پراکنده مینمودند. افراد این محافل گاه اعلامیه ای را دست نویس نموده و یا چاپ ابند. ایی ودستی میکردند، و پخش مینمودند. جلسات مخفی چند نفره به روشنفکران و کارگران معدودی که تماس داشتند برقرار میکردند و به مطالعه و فعالیت خفیف در محیط مشغول بودند. این محافل که به ساهسته در ارتباط بودند هنوز بعنوان یک گروه نه انجاء تشکیلاتی داندند و نه برنامو فعال هسته تا این زمان معلول دوعا ملبود:

الف - ضربه ای که خود هسته از نظر روحی و گسست تشکیلاتی در رابطه با سازمان انقلابیون کمونیست (که در اواسط ۵۶ دیگر اتحاد به نام گرفته بود) خورده و هنوز از آن گیج و آشفته بوده و از ریشه یابی آن نتوان بودند.

ب - ناروشن بودن و عام بودن ارتباطات جدید و وضعیت محافل که مجموعه را از یک حرکت جدی و با برنامو نتوان میساخت.

بهر حال اوگیری مبارزات طبقاتی که از مبارزات مسریم خارج از محدوده شهرها آغاز شد چون آژیر درگوش افراشته و همه رفقای مرتبط بصدا در آمدولزوم یک حرکت جدی در شرکت در مبارزات توده ها و استقبال از دوره اعتلای مبارزات طبقاتی را گوشزد نمود. در اوایل خرداد ۵۶ آخرین تماس با خارج برقرار شد. گزارش تماس اساساً به بیپوده بودن انتظارات از خارج گواهی میداد. در این تماس اگر چه سازمان با مشاهده امکانات هسته ما در ایران بطمع افتاده و قول مساعدت و گسیل کادرهای رهبری را برای استفاده از این امکانات داده بود. و برای اینکار قرارهای لازم گذاشته بود (قرارهایی که هیچکس در آنها از طرف سازمان ظاهر نشد)، اما هسته بدت و بیش از پیش به سازمان بدبین گشت زیرا:

اولاً: در تماسهای فوق روشن شد که سازمان دچار همان وضعیت معترض و اپورتونستی سابق است و حتی بعد مسائل بجایی کشیده که در آستانه انشعاب قرار گرفته است و مسابقه غیرواصولی برای غصب امکانات تشکیلاتی در خارج و در ایران در جریان است.

ثانیاً: از نظر تشویریک و سیاسی ارزیابی سازمان از اوضاع ایران بدت اشتباه است و همچنان گذشته در محاسبه های روشنفکرانه خلاصه میشود.

به این ترتیب پس از این تماس هسته تصمیم گرفت که مستقلاً به مثابه گروهی جدید اعلام موجودیت نموده و فعالیت پراکنده و محظ را بنبفع فعالیت گروهی با هویت معین و ثابت ادا مدهد. کار سازماندهی، برنامو ریزی و فعالیت مشخص بگونه ای جدید شروع شد. اما هسته تصمیم گرفت که فعالیت برونی خود را موکول به پیشرفت در امور درونی ننماید و با توجه به مبارزات طبقاتی که روز بروز شدت میگرفت توجه اصلی خود را به تبلیغ و ترویج و سازماندهی توده مردم در حد امکانات خویش بیزداد و به همین خاطر هسته نام "کمیته نبرد" را انتخاب کرد. زیرا شکل گروه بصورت محافلی بود که توسط هسته بهیم مرتبط میشدند محافلی که هنوز نظم تشکیلاتی و آن روابط و ضوابط لازم در آن بوجود نیا مده بود.

تازمان قیام بهمن ۵۷ فعالیت های برجسته گروه به طور خلاصه عبارت بودند از:

(۱) انتشار منظم اعلامیه های عمومی تبلیغی و افشاگرانه و اعلامیه های کارگری که بویژه بر ضرورت های مبارزاتی در محیط های کارگری (سندیکا، اعتصاب و...) تأکید میکردند. انتشار رایسن اعلامیه ها با مؤلف نمودن رفقا به شرکت فعال در مبارزه جاری توده ها و مطالعه مسائل و رهنمودهای لازم بصورت میگرفت.

(۲) کوشش در سازمان دادن حرکت های توده ای در حد مقدورات گروه. در این رابطه گروه نقش مهمی در سازمان دادن تظاهراتات مستقل نیروهای چپ بویژه در عا ثورای ۷۷ در تهران ایفا نمود.

(۳) کوشش در استفاده از ارتباطات و امکانات گروه در سازمان دادن اعتصابات و تظاهرات در محیط های کارگری بویژه در حکومت نظامی. در این رابطه گروه بخصوس موفقیت های بزرگی در براس انداختن اعتصاب و تظاهرات ورهبری مبارزه در یکی از مراکز بزرگ صنعتی بدست آورد که با پیگیری های بعدی هم چنان در رأس مبارزات جاری باقی ماند.

(۴) علاوه بر اعلامیه های متعددی که از جمله در باره مبارزات کارگران صنعت نفت انتشار میافت گروه توانست از ارتباطات موجود استفاده نموده و نشریه منظم و بویژه صنعت نفت را از دی ماه ۵۷ منتشر نماید که قریب یکسال ادا مده بافت و در همان شماره های اول به معروف ترین و معتبرترین نشریه ویژه صنعت نفت تبدیل گشت.

قیام بهمن ۵۷ سرنگونی رژیم شاه، مبارزات عمومی توده های مردم را بیش از پیش جنبه طبقاتی بخشید، و وقتی بورژوازی و متحدین او به ترمیم و ساختمان شکل جدیدی از حکومت بورژوازی مشغول شدند، ضرورت شکل و آسلاگی هر چه سریع تر برولتاریا و متحدین او بر ای درهم شکستن این نظام عرصه جدیدی از فعالیت را در میان توده

عجز نه تنها از محدودیت تجربه، که دروسا بر ضرورت گسترش و پیگیری در کارها ناشی میشود بلکه همچنین از اقلیات غیر قابل انکار و خارج از اراده این گروهها در سطح جامعه نیز نشأت میگیرد. با رها به این واقعیت برخورد نمودیم که فعالیت در میان کارگران پس از طی دوره ای از برقراری ارتباطها، تبلیغ و ترویج در محیط کارگری و تشکیل جلسه با کارگران پیشرو و حتی تاثير در مبارزات جاری و بدست گرفتن رهبری مبارزات معینی در محیطهای کارگری، وقتی به مرزهای جذب کارگران پیشرو به تشکیلات، و حفظ دستاوردهای مبارزاتی و به اجرا درآوردن طرحهای ضروری و جدید برای مقابله با مشکلات میرسد با کمبودهای بزرگی روبرو میشویم.

واقعیت تبلیغات و اقدامات شدید و ادامه دار ارتجاع و عناصر فرست طلب و نا آگاه در محیط، واقعیت رقابتیهای شدید و اغلب غیر اصولی جریانهای مختلف سیاسی و حتی گروههای م. ل. با یکدیگر؛ و بالاخره واقعیت انکارناپذیر تمایل کارگران و کلاً عناصر پیشرو و مبارز محیطهای فعالیت به متکی بودن به یک جریان قوی در بعد اجتماع، واقعیت غیر قابل انکار مقابله با مایه و هستند.

مثلاً هنگامیکه رفقای ما با تلاشهای ثبات ریزی مبارزات کارگران یک کارخانه را از ابتدا تا اقبال کارخانه بمدت چهار ماه واداره برای ۲ ماه رهبری نمودند و با انواع دسیسه ها و توافقی و مشکلات مقابله کردند، وقتی فعالیت خود را تا حد تشکیل اتحادیه کارخانه های مشابه گسترش دادند، در مقابل تهاجم مسلحانه و گسترده عوامل کارفرما و حکومت طرفداران نتوانستند علی رغم وجود شرایط مساعد یک حرکت اعتراضی را در کارخانه ها مشابه و در میان کارگران سایر کارخانه ها تا مدتی بزنند، زیرا که امکانات گروه برای اینکه رأساً به چنین کاری بپردازند چیز بود و پراکندگی گروههای دیگر نیز چنین شرایطی را ممکن نمی ساخت.

مثال دیگر در مورد واقعیت رقابتیهای گروههای مختلف را مادر فعالیت در میان کارگران بیکار، خانه کار و جلسات زنان خانه کارگر مشاهده نمودیم. مشاهده رقابتیهای غالباً غیر اصولی کسبه نیروها و میدها را در اما به حد داده و میدها محنت، تأسیس برای است که تأسیس را آن هنگام بیشتر میکنند که گروه را به لجاجت، مقابله به مثل و استنناجات غیر اصولی در مورد اینکه "همه سکتا رست هستند". و. مثالهم وادار میساخت. همین رقابتیهای غیر اصولی را با آنکه در جنبش دانشجویی فعالیت نمیکردیم اما در آنجا هدویدیم و در فعالیت خود در جنبش دانش آموزی آن را لمس میکردیم. رقابتی که باید یا رومد که رهم میبودند غالباً مزاحم و خشن کننده یکدیگر میشدند، ما بتدریج آموختیم که چاره این وضع تا سامان صرفاً تصحیح اخلاقی و مقابله به مثل و امثالهم نیست بلکه این وضعیتی است که تا زمان پراکندگی گروهها اجتناب نپذیر میماند.

نمونه دیگر در مورد تمایل کارگران پیشرو و سایر عناصر در محیطهای فعالیت، به آنکه به یک جریان قوی در بعد اجتماع رأی ما بخصوص در مورد فعالیت خود در صنعت نفت "پیشاز" مشاهده کردیم. گذشته از ضعفهای تشکیلاتی و اشباهات درونی ما در خصوص تقسیم مسئولیتها و اعتماد داده لوحانه به مدافعان واداران جریان دیگر و غفلت از تحولات فکری یکی از رفقای مسئول، اما بهر حال این واقعیت نیز غیر قابل انکار بوده و هست که تمام تشکیلات کارگران پیشرو در سطح عالی تر و برای فعالیت غنی تر، یعنی بعد از آنکه بارها تا مرز معینی پیشرفت میکند، با شکل تمایل این کارگران به تکیه بر جریان قوی در سطح جامعه روبرو میشود. دیگر کافی است که تردیدها و نزولات مسئولین مربوطه و نقشه های غیر اصولی آن جریان قوی هم مزید بر علت شود تا دستاوردهای از فعالیت را از کنترل خارج نماید. در این جا نیز ما بجای بر جسته کردن بیش از اندازه ضعفها و مشکلات درونی و نقشه های غیر اصولی جریانهای مختلف، به ضرورت درمان درد از ریشه توجه نمودیم یعنی ضرورت پیدایش یک سازمان قوی و گسترده در سطح جامعه، این ضرورت را ما نه تنها از تجارب ناکامیها بلکه نیز از تجارب پیشرفته نیز در می یافتیم که چگونه کار عالی تر با کارگران نیازمند دعوت پیوسته آنها به یک حرکت اجتماعی است و درست بهمین صورت یعنی فعال نمودن و

پرو لتری و زحمتکش میگوید در این شرایط گروه همچنان تمام نیروها و امکانات خود را متوجه جنبش کارگری نمود و پیرو این سیاست از امکانات فعالیت در عرصه های دیگر و مهمتر از همه جنبش دانشجویی چشم پوشید. اتحاد این سیاست اگرچه نیرو و توجه را به یک نقطه متمرکز نمود، اما در عین حال گروه را از امکانات گسترده ای که جنبش دانشجویی در خدمت تبلیغ و ترویج و بسط آگاهی در میان زحمتکشان بوجود میآورد، محروم میساخت. در آن هنگام گروه بدون آنکه ضرورت فعالیت جنبش کمونیستی در میان دانشجویان را نفی نماید اما بر این عقیده بود که امکانات محدود خود را نمیتوانست در چندین عرصه پخش نمود بلکه با تمرکز نیرو و اندیشه در یک عرصه (کارگری) و فعالیتها ی مربوط به آن بازدهی گروه از نظر کیفی بسیار بیشتر خواهد بود.

در ادامه این سیاست گروه نیروهای خود را به استفاده از تمام امکانات و بهبود فعالیتها ی قبلی در جنبش کارگری درآورد. سازماندهی جدیدی در فعالیتها ی سابق در نظر گرفته شد که در نتیجه آن تهری و ابتکار عمل در سطوح مختلف در ادامه مبارزات قبل از قیام در یکی از مراکز صنعتی باقی مانده و تحکیم شده است. گروه سازماندهی و رهبری کامل مبارزات کارگران کارخانه دیگری را برای مدت شش ماه از اولین تحم تا اقبال کارخانه واداره دستجمعی آن به عهده داشت که عاقبت با حمله مسلحانه عوامل کارفرما و کمیته واداره "انقلاب"!

و اخراج و جرح و تعقیب کارگران مواجه شد. تجربیات فراوان و آموزش مهمی در اثر این مبارزات ثبات ریزی و بیگرنج عاید گروه گردید. همچنین گروه "پیشاز" "نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت" را که در دی ماه ۵۷ در زمان اعتماد با کارگران صنعت نفت پایه گذاری شده بود، بعد از قیام بصورتی جدید منتشر نمود. امکاناتی که گروه در صنعت نفت داشت، همگی بخد متانتشار "پیشاز" درآمده. کمیته ای مرکب از کارگران پیشرو از گرایشات مختلف بوجود آمده زیر نظر گروه به سهم خود به تهیه مطالب، بخش پیشاز و امثالهم میپرداخت. بزودی پیشاز به برکت فعالیتها ی این کمیته و امکانات گسترده در شهرهای مختلف پایه گرفت و به معتبرترین نشریه صنعت نفت تبدیل شد. استقبال فراوان کارگران از "پیشاز" با هیچ نشریه دیگری از این زمینه قابل مقایسه نبود. گروه بمدت ۹ ماه ابتکار انتشار نشریه را به عهده داشت و سازماندهی کارگری خاص خود را بگرد آن بوجود آورد.

اگرچه گروه فعالیت در میان دانشجویان را از دستور کار خود خارج نموده و حتی رفقای دانشجوی خود را به ترک دانشگاه و فعالیت در بخشهای دیگر گروه فرا میخواند، اما بیکبار از کلیه امکانات فعالیت در بخشهای غیر کارگری مرفتنظر ننمود. بخصوص امکانات فعالیت در دانش آموزان که برای گروه موجود بود، بخاطر اما دگس و استعداد فراوان این جنبش و شرایطی که گروه میتواند است با اختتام نیروی کمی بازدهی قابل توجهی در این زمینه حاصل نشد. ید مورد توجه قرار گرفت از یک سال پیش گروه دانش آموزی فعالی در یکی از شهرستانها در ادامه این سیاست تشکیل شد که فعالیت قابل توجهی را در منطقه ادامه میدهد.

فعالیت در جنبش کارگران بیکار، در شورای مؤس و نظایر اینها نیز تجربه گروه را در امر سازماندهی و مشکلات جنبش کمونیستی و کارگری افزایش میداد. همچنین گروه از ابتدای تشکیل کنفرانس وحدت در آن بطور فعالی شرکت جست و شرکت خود را تا پایان کار آن بلاوقفه ادامه داد. تجارنی که گروه در حین فعالیتها ی خود بدست میآورد به همراه بخشها و بر خوردهای فراوانی که در کنفرانس وحدت صورت میگرفت و مطالعه سیر تحولات مبارزه طبقاتی جامعه بر ضرورت تکیه بر ایدئولوژی پرو لتری و وحدت جنبش کمونیستی بر این اساس گواهی میداد. این مسئله که ظاهر آبریدیهی بنظر میرسد از سوی هر گروهی از همان ابتدای تشکیل آن اعلام میگردد تا هنگامیکه در طول عمل و برخورد و واقعیتها احساس نگردد اهمیت خود را نشان نمیدهد.

ما در طول فعالیتها ی خود با رها به این واقعیت بر میخوریم که گروههای پراکنده ای نظیر ما اگرچه میتوانند فعالیتها ی مؤثری در بسط آگاهی ها و سازماندهی و حتی هدایت عملی و رهبری مبارزات معینی را بعهده بگیرند، اما از بهر برداری کامل از نتیجه پیشرفت برای پیگیری و ارتقاء سطح مبارزه بصورتی عالیترا عجزند. این

پروازندن عنا صرپ شرو در این حرکات است که گروه قادییه پیشرفت در امر جذب این عنا مگردید.

مثالهایی که در بالا آمدند تجارب قابل ذکری در رسیدن به این واقعیت بودند که جنبش کمونیستی ما با پدیدرفا لب پک تشکيلات منجم و گسترده تشکيلي نمايد و در اس پک جريان توده اي که محصول حداقل حرکت اقشار پيشرو و پرفلورا يا شود ۴۰ زحمتشک با شد قرار دهد ۱! ما چگونه ؟

بموازات تجربیاتی که بدست می‌آوردیم، شرکت ما در کنفرانس وحدت اگرچه انرژی فراوانی را از ما می‌گرفت، اما کانونی بود که راه حل‌های مختلف را بی‌مؤثر می‌گویی میان تجربیات مصادره فعالیت‌های جاری و نظراتی که در کنفرانس در پی آن بودیم رابطه مستقیمی برقرار نبود. هرچه تجربیات ما ضرورت ذکر شده در بالا را در شترو پخته تر نمایان می‌ساخت، نظرات ما در مورد وحدت نیز تنها مشکل میبافت و از تقاطع و تقبیض پاک می‌شد، به گونه‌ای که ما با نظرات انتقادی «همکاری - مبارزه» ایدئولوژیک که در آن عملاً شروع همکاری‌ها بر ضرورت‌های روزمره جنبش ارجحیت می‌یافت بعنوان تئوری تشکیل یک سازمان اشتقاقی وارد کنفرانس شدیم و با نظر کنونی بهمنی ضرورت وحدت ایدئولوژیک جریانات مشابه بعنوان تنها راه وحدت جنبش کمونیستی آن راه‌پایان رساندیم (مسیری که بعضی از گروه‌ها عکس آن را پیمودند!) نقطه عطف در این تحول برای ما شکست تلاش‌های گروه برای شروع همکاری‌های همه‌جانبه در چند ماه اول کار کنفرانس بود. تئوری اولیه ما در مورد وحدت جنبش کمونیستی و تلاش‌های انجام شده در این امر تا آن موقع وحدت برای ما قابل قبول و دفاع بود که به تثبیت ایدئولوژیک میان گروه‌ها تا گامی نداشتیم و با فرض وجود وحدت نظردر خطوط کلی ایدئولوژیک بر آن‌ها می‌فشاریم. این وحدت عمومی کنفرانس بود که گویا با فرموله کردن چندجمله‌ایین صورت‌نظر در کلیت وجود حاصل است و تنها با انتقاد آن با معیارهای تشکیل دهنده مانع اساسی کارهاست.

هنگامیکه تئوری سازمان اشتقاقی بعد از شکست تلاشهای «کرو» عملاً و بنوبه خود شکست خورد، تجدیدنظر در نظرات خود پیرامون وحدت را ضروری دیدیم اما نه هنوز بخاطر لزوم وحدت ایدئولوژیستیک بعنوان پیش شرط طرحهای عملی وحدت، بلکه بخاطر اینکه در یافتیم که آن تئوری در شرایط حاکم برجانبش کمونیستی و بخصوص کنفرانس عملی نیست و به قانومینندهای حاکم بر آن نمیخورد. کنفرانس بخاطر خود دارای آرزو و به مباحث دیگری غیر از طرحهای وحدت واقعیت اختلاف ایدئولوژیک را پوشیده نگا همیداشت. و این وضعیت در برخورد «دها» بیرون کنفرانس هم ادامه میافت. بطوریکه هنوز هیچ گروهی نظرات دقیق و مشخصی را در رابطه با مسائل استراتژیک (اهداف و نقش طبقات در انقلاب و تاکتیک) (شعارها و سیاستها و تحلیلهای روز) ارائه نداده و بیشتر گرفتار تطبیق خود با شرایط جدید فلیست و مشکلات ناشی از ضرورت گسترش و غیره بود. اشتباه ما در این بود که پوشیده ماندن اختلافات ایدئولوژیک را دلیل عدم وجود آن میدانستیم که این اشتباه ما سیاست عدم دقت در نظرات درونی خود و دیگران و عدم تشخیص ضرورت ارائه مدون تحلیلها و نقطه نظرات تئوریک خود و طرح آن با سایر گروهها دنبال شد. اما طولی نکشید که تحولات سریع اوضاع سیاسی در جامعه کاری را که میبایست خود را گامی از همان ابتدای کردهای انجام میدادیم به تاخیر رسانید (۱) با روشن شدن بعد از اختلافات در مسائل استراتژیک و تاکتیک راه حل وحدت برای ما دیگر تنها یک چیز بود: روشن نمودن مرز بیندیه و وحدت بگرد نقطه نظرات واحد، تئوری سازمان اشتقاقی که قبلاً در عمل شکست آن را مشاهده کردیم اکنون میبایست در تئوری نیز شکست خورد. و این کارها تا حدود زیادی در «ویژنه ما» و وحدت «مستشرق» در فروردین ۵۸ و آسوی ما صورت گرفت و از آن پس نیز بتدریج نظرات ما از انقطاعی باقی مانده پاک گردید.

تجاری که گروه بدست میآورد و پروسه ای که برای وحدت جنبش کمونیستی از آن گذر نمود و تحولات فکری را که از مدت ها قبل حتی قبل از اعلام موجودیت گروه در بین رفقای اولیه گروه شروع شده بود تسریع

و تکمیل نمود. مشاهدات و مطالعات وضعیت جامعه و چگونگی شکل گیری شرایط انقلابی و نقش اشرار و طبقات مختلف آن بر برخی از باروهای اولیه در مورد روابط غالب بر جامعه و نقش بورژوازی ملی در انقلاب دمکراتیک که تا قبل از او جگیری جنبش انقلابی بر علیه رژیم شاه عمدتاً در اثر نوعی الگو برداری از تحلیلهای طبقاتی و تجارب انقلاب در سایر کشورها و برداشتهای ناقص از انقلاب مارکسیست لنینیستی حاصل شده بود خط بطلان کشید. در دوره فعالیت گروه قبل از قیام بررسی های تئوریک و تدوین خط مشی شدت تحت الشعاع فعالیتها روزمره در میانه مسد. گروه در اردیبهشت ۵۸ این بررسی ها را در دستور کار خود قرار داد تا علاوه بر بررسی مبانی تئوریک غالب برگروه به تحلیل و تدوین خط مشی در شرایط جدید مباحرات طبقاتی دست یابد. اگرچه این کار به علت کثرت اشتغالات عملی و روزمره گروه آنطور که باید بصورتی مدون و درمزمبندی با جریانات مختلف تدوین نشد، اما جامع بندیهای درونی در تحلیلهای وسیاستهای غالب برگروه بکار گرفته شد. گروه در مهر ماه ۵۸ به انتشار رجزوهای در تحلیسل مباحرات طبقاتی جاری، دورنمای آن و وظایف جنبش کمونیستی پرداخت که منتج از بحثهای درونی بوده و خط مشی گروه را تا حدود زیادی روشن میکرد و تحولات جامعه صحت ارزیابی های ذکر شده در آن تحلیل را نشان داد. در ادامه این کوشش گروه از حدود دشت ماه پیش به انتشار هفتهگی تحلیلهای کوتاه و ساده (شب نامه) از مسائل جامعه پرداخت و علاوه بر اینکه با پخش آن در میان توده مردم وظایف تبلیغی و ترویجی خود را تا حدودی پیش میبرد، به انجام درونی گروه کمک بزرگی نمود و فعالیتهای انتشاراتی حوزه ها و هسته های مختلف گروه را در یک خط واحد قرار میداد.

مجموعه عوامل ذکرشده در بالا، یعنی تلاش برای تدوین خط مشی مارکسیستی - لنینیستی، تجارت عملی و پیروهای که گروه در ارتباط با ما وحدت جنبش کمونیستی گذرانده، از چند ماه پیش گروه را به یک جمع بندی کلی از چگونگی حرکت خود در آینده کشانده. ما را وحدت با جویانی که آنرا از همه نزدیکتر بخود میبافیم اختیار نمودیم تا با کیفیتی بهتر و با بعدی گسترده تر در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی پروولتاریا و جنبش انقلابی بوده های مردم مبارزه کنیم. بر این خاطر تماس هایی که از قبل با رفقای روزمندان موجود بود بصورتی فعال در آمده و با بحث بروی برنامه پیشنهادی رفا و بررسی با مسائل ضروری برای وحدت، با اتفاق نظر بروی برنامه، مباحثی اساسی و روش حل مسائل درون تشکیلاتی شرایط وحدت حاصل گردید.

اکنون ما خرندگان را به این رسانیدن دوره‌ای از فعالیت در یکی از بحرانی‌ترین و پیچیده‌ترین شرایط انقلابی جامعه ایران که انبوهی از درسها، از ناکامیها و موفقیتها را برایمان بجای گذاشته است، کارنامه "کمیت‌نبرد" را می‌نویسیم تا بتکلی جدید و عالی تر آمانهای والای جنبش کمونیستی را دنیا را کنیم. \*

